

## به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن برویم!

به هشت مارس روز جهانی زن نزدیک می شویم. روزی که تاریخ و سنتش را از شورش زنان کارگاههای پارچه بافی و لباس دوزی نیویورک در سال ۱۸۵۷ می گیرد. در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاههای پارچه بافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا به خیابانها آمدند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بردگی کار شدند. این تظاهرات با یورش گسترده نیروهای پلیس روبرو شد. دومین کنفرانس زنان سوسیالیست در سال ۱۹۱۱ روز زن را بنیان نهاد، اما تصمیم گیری قطعی برای تعیین «روز جهانی زن» به بعد موکول شد. سال ۱۹۱۳ «دبیرخانه بین المللی زنان» (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به عنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد. در همان سال، زنان زحمتکش و زنان روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در سراسر اروپا، مراسم «۸ مارس» را بشکل تظاهرات و میتینگ برگزار کردند. زنان کارگر سنت پترزبورگ با اعتصاب خود در روز ۸ مارس ۱۹۱۷ علیه اوضاع فلاکتناز ناشی از سیاست جنگی دولت روسیه و برای نان و صلح به میدان آمدند و به بانگ رسای شکوهمند ترین انقلاب کارگری تبدیل شدند. سال ۱۹۲۱، «کنفرانس زنان انترناسیونال سوم کمونیستی» در مسکو برگزار شد. در آن کنفرانس، روز ۸ مارس به عنوان «روز جهانی زن» به تصویب رسید. کنفرانس، زنان سراسر دنیا را به گسترش مبارزه علیه نظم سرمایه داری و برای تحقق خواسته هایشان فرا خواند. این تاریخ حلقه هایی از زنجیر طولانی و پیوسته جنبش پرولتری زنان جهان است.

در همه این سالها و تا کنون نیز میلیونها زن در اغلب کشورهای جهان خیابانها و میدانی شهرها را به صحنه های پرشکوهی از مبارزه علیه تبعیض و نابرابری جنسیتی و علیه نظم سرمایه داری تبدیل کرده اند. در این میان هیچ ترفندی نمیتواند این حقیقت را کتمان کند که زنان کارگر محروم ترین بخش طبقه ای هستند که هم شلاق تبعیض جنسیتی بر آنان فرود میآید و هم یک مؤلفه اساسی انباشت سرمایه در جهان معاصرند. اعتراضات میلیونی و همه ساله زنان بیانگر آن است که در نظام سرمایه داری حتی آنجائی که صحبت از برابری صورتی میشود، چه شکاف عمیقی از نابرابری اقتصادی و اجتماعی زنان را از مردان



## گسترش اعتصابات و اعتراض های توده ای بر متن تشدید بحران اقتصادی

حمایت از  
منشور مطالبات حداقلی  
بیست شکل مستقل  
صنفي و مدنی

## گرمیداشت روز کومه له و پیام نیروهای سیاسی



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له  
بمناسبت مرگ رفیق عیسی جمشیدی

از تجمع سراسری بازنشستگان در روز ۹ اسفند  
حمایت کنیم!

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۲ است.

**تماس با**  
**کمیته تشکیلات هلال کشور**  
**حزب کمونیست ایران**

hvefaalin@gmail.com

**تلفن، فکس و پیامگیر**

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

**تماس با**  
**کمیته تشکیلات**  
**هلال کومه له (تکس)**

takesh.komalah@gmail.com



بلافاصله اعتراضات علیه قتل وی را به جنبش رهایی زنان، و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی پیوند زد و یک جنبش انقلابی برپا کرد. جنبشی انقلابی که با گذشت بیش از پنج ماه در اشکال مختلف ادامه دارد. اعتراضات علیه قتل حکومتی مهسا با دور افکندن و سوزاندن روسری‌ها مبارزه زنان علیه حجاب و قوانین پوسیده اسلامی را وارد فاز جدیدی کرده است. پرتاب کردن روسری‌ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها یک تعرض قدرتمند سیاسی و ایدئولوژیک به رژیم جمهوری اسلامی است. این تعرض قدرتمند در همانحال ضربه‌ای است کاری به آن بخش از اپوزیسیون روسری به سر که بعد از پایان کار استبداد دینی سودای حکومت مذهبی بورژوازی دیگری زیر نام "جمهوری دموکراتیک اسلامی" را در سر می‌پرورانند.

اگر هشت مارس از همان آغاز مهر شورش زنان کارگر را بر پیشانی داشت، پیشروی جنبش رهایی زنان نیز جز با به میدان آمدن توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش تضمین نخواهد شد. منافع زنان و مردان کارگر در این است که در تشکلهای توده‌ای و طبقاتی و در حزب سیاسی خود متشکل شوند و بازو در بازوی هم برای پایان دادن به اشکال مختلف ستمگری نظام سرمایه داری مبارزه کنند. اگر مبارزه سازمان یافته زنان عامل حیاتی جهت پیشبرد امر رهایی زنان است، باید از هر فرصتی برای سازمانیابی توده‌ای بهره گرفت تا زنان با قدرت و شکوهی که شایسته آنان است در صف مقدم مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حضور یابند. مبارزه زنان با استراتژی اتحاد با جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی و با افق سوسیالیستی است که می‌تواند نقطه پایانی بر آپارتاید جنسیتی سرمایه داری اسلامی در این جامعه بگذارد.

جدا می‌کند. این واقعیات نشان می‌دهند که برابری حقوقی اگر هم موجود باشد به هیچ وجه به معنای برابری واقعی میان انسان‌ها نبوده است. تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی جایی که نابرابری بنیادین نظم سرمایه داری با مذهب درهم آمیخته هستند، دیگر حتی سخنی از برابری حقوقی هم در میان نیست. اینجا تبعیض، خشونت، بی حقوقی و زن ستیزی شکل قانونی و شرعی به خود می‌گیرد. زیرا دولت نه تنها به مثابه ارگان حفظ نظم طبقاتی استثمارگر، بلکه به مثابه ارگان سلطه ایدئولوژیک، به سرکوب زنان نیاز دارد. اما به رغم اینکه در آمیختگی بربریت سرمایه داری با اسلامی سیاسی چه محرومیت‌هایی را به زنان تحمیل کرده است و به رغم اینکه فقر بیش از هر زمان دیگری چهره زنانه بخود گرفته است، اما زنان قربانیان خاموش این شرایط فلاکت‌ناز هستند. دیدیم که در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ زنان چگونه در صف مقدم اعتراضات قرار گرفتند و بیش از یک هفته خواب از چشمان سران و کارگزاران رژیم ربودند. آنان در این سالها در کنار کارگران هفت تبه، در پیشاپیش اعتراضات توده‌ای و در محل کار و خیابانها سرود رزم را خواندند، آنان در متروها برای مردم از هشت مارس روز جهانی زن سخن گفتند. آنان بر فراز سکوهای خیابان انقلاب حجاب این نماد بردگی را بر زمین افکندند، در دانشگاهها فریاد اعتراض علیه جداسازی جنسیتی سردادند، در صف مقدم اعتصابات و اعتراضات سراسری معلمان و بازنشستگان حضور یافتند، به عنوان دکتر و پرستار در صف مقدم مبارزه با کرونا جانفشانی کردند و زمانی هم که به اسارت گرفته شده و شکنجه گردیدند، ادعای خود را که یک اعلام جنگ آشکار علیه این رژیم بود، فریاد زدند.

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن می‌رویم که دستگیری و قتل ژینا (مهسا) امینی به دست نیروهای سرکوب "گشت ارشاد"



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در حمایت از منشور مطالبات حداقلی بیست شکل مستقل صنفی و مدنی

مذهبی، مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند و صرف آن برای مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست، پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، تأکید شده است.

حزب کمونیست ایران انتشار این منشور مطالباتی از جانب تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی در داخل ایران را جدای هر ملاحظه‌ای که در مورد برخی از این "تشکل‌ها" داشته باشد، گامی مهم و ارزنده در راستای گستراندن افقی روشن در پیش روی جنبش انقلابی ایران جاری و گامی در راستای شکل‌گیری رهبری سراسری و پاسخی کوبنده به بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران می‌داند که می‌خواهند از بالای سر مردم و با کمک قدرتهای امپریالیستی پروژه‌های آلترناتیوسازی خود را پیش ببرند.

حزب کمونیست ایران ضمن حمایت و پشتیبانی از این اقدام تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی و منشور مطالبات حداقلی آنها تأکید می‌کند که تحقق این مطالبات فقط با سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، برپائی یک حکومت شورایی که کارگران و زحمتکشان و تهیدستان شهری با تکیه بر این ساختار شورایی بتوانند در مدیریت و اداره جامعه مستقیماً دخالت کنند و با تعرض بر سرمایه داری با جهت‌گیری سوسیالیستی امکان پذیر است. حزب کمونیست ایران از همه نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و نهادهای و نیروهای ترقی خواه، از همه نهادهای و فعالین جنبش‌های پیشرو اجتماعی و از جوانان انقلابی محلات در شهرهای مختلف ایران می‌خواهد که از این منشور مطالبات حداقلی پشتیبانی کنند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران  
۲۶ بهمن ۱۴۰۱  
۱۵ فوریه ۲۰۲۳



پنج ماه از جنبش انقلابی جاری و از آغاز انفجار خشم و اعتراض زنان و مردان آزادیخواه ایران علیه قتل دولتی ژینا و طغیان خشم توده‌ها علیه فشارهای سنگین گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی، بی‌حقوقی‌های سیاسی و اجتماعی، خشونت‌ها و تبعیض جنسیتی که به زنان ایران تحمیل شده است می‌گذرد. جنبش انقلابی جاری اگر چه از اعتراض‌ها و جنگ و گریزهای خیابانی هر روزه و پر تلفات سه ماهه اول فاصله گرفته است، اما به اشکال مختلف ادامه دارد و استمرار خود را در شکل برآمد جنبش مطالباتی کارگران و بازنشستگان و اعتراض‌های توده‌ای متناوب حفظ کرده است. سرکوب‌های گسترده و کشتار در سیستان و بلوچستان و کردستان نه فقط مردم ایران را مرعوب نکرده، بلکه نیروی همبستگی در میان مردم را تقویت کرده است. همه جا ترس از سرکوب جای خود را به مقاومت و تعرض علیه نیروهای سرکوبگر و کل دستگاه حاکم داده است. تداوم فشار جنبش انقلابی جاری، خطر فروپاشی اقتصادی و انزوای رژیم جمهوری اسلامی در سطح جهانی و منطقه‌ای و تشدید نزاع و کشمکش در میان سران حکومتی توازن قوا را عمیقاً به نفع صف مبارزه توده‌ها، جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی تغییر داده است. این موقعیت شکننده جمهوری اسلامی و استیصال و درماندگی سران رژیم در مقابله با بحرانهایی که سر تا پای آن را فرا گرفته است، زمینه‌ساز تحرک تازه‌ای در بین بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای پیشبرد پروژه‌های آلترناتیو سازی از بالای سر مردم ایران شده است.

بر متن این اوضاع بیست شکل مستقل صنفی و مدنی در ایران یک منشور مطالبات حداقلی را در روز سه شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۴ فوریه ۲۰۲۳ منتشر کرده‌اند. تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی امضاکننده این منشور ضمن مخالفت با شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالای سر مردم با تأکید بر «اتحاد» و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و برانگیز موجود، تحقق خواست‌های حداقلی را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور دانسته و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهائی دارند خواسته‌اند که از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی بر افراشته دارند.

در این منشور مطالباتی که مشروح است از جمله بر آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی، آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکل‌های محلی و سراسری صنفی، لغو فوری صدور و اجرای مجازات اعدام، اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، جدائی دین از دولت، تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته، امحا قوانین و هرگونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در حمایت از منشور حداقلی بیست و سهگانه صنفی و مدنی در ایران!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست جدا از هر ملاحظه ای که در مورد این منشور داشته باشد، انتشار آن را در شرایط کنونی گامی مهم در راستای انسجام جنبش آزادیخواهی و برابری و تقویت جنبش طبقاتی کارگران و زحمتکشان در مقابل جمهوری اسلامی و جواب محکمی به آلترناتیوهای بورژوازی ارزیابی می کند، از آن حمایت می کند و در تقویت و پیشبرد آن می کوشد.

در عین حال باید تاکید کرد که تحقق این منشور و مطالبت حداقلی، اساسا در گرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و نظم طبقاتی موجود و برپایی حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان ممکن و عملی است و باید تلاش کرد که جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبانه را حول آن برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی و تحقق تمام و کمال مندرج در این منشور بسیج کرد. ما از همه تشکلهای و جنبشهای مترقی و آزادیخواه، از تشکلهای جوانان محلات، تشکلهای پیشرو زنان و دانشجویان می خواهیم که از این منشور حمایت کنند، به آن بپیوندند و در تحقق مفاد آن بکوشند.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۶ فوریه ۲۰۲۳

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



انتشار منشور مطالبات حداقلی با ابتکار و تلاش بیست و سهگانه مستقل صنفی و مدنی را باید گامی به پیش در مسیر همگرایی نیروهای کار و زحمت به حساب آورد. این منشور خصوصا در پی خیزش انقلابی توده های مردم ایران که در چند ماه گذشته با برآمد توده ای علیه فقر و فلاکت و اختناق و استبداد جهت به گور سپردن حکومت اسلامی سرمایه بپا خاسته اند، اقدامی در خور و قابل حمایت است. در بطن این تحولات، تا جایی که به جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش طبقه کارگر، جنبش رهایی زن و جنبش جوانان برای آزادی و برابری و خلاصی از ظلم و ستم طبقاتی، مربوط است، این منشور حداقل مطالباتی را باید گامی مهم در شکل دادن به انسجام و اتحاد جنبشهای اجتماعی به حساب آورد که در شرایط کنونی افق روشنی را جلو پای این جنبشها برای پایان دادن به این زندگی فلاکتبار و ضد انسانی قرار می دهد.

در شرایطی که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی برای سرنگونی جمهوری اسلامی گامهای مهمی برداشته است و کشمکش میان آلترناتیوهای راست و چپ، میان جنبشهای متخاصم طبقاتی برای شکل دادن به آینده بعد از جمهوری اسلامی روز به روز حادثتر می شود و جریانات بورژوازی با تمام امکانات برای مصادره انقلاب مردم به نفع اهداف ضد انقلابی خود از هیچ اقدامی ضد مردمی رویگردان نیستند، انتشار این منشور از جمله اقدامی به جا و موثر در مقابل پلاتفرم و منشور جریانات بورژوازی است. اقدامی مسئولانه که بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی میان جنبشهای اجتماعی و آزادیخواه در مخالفت با شکل گیری هر نوع قدرت دولتی از بالای سر مردم تاکید دارد.

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

### ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر



بزودی "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" هم روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان "تلویزیون آلترناتیو شورایی" آغاز خواهد کرد!

## منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاست‌های بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین

مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهائی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی بر افراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین کمانی "ال‌جی‌بی‌تی کیو‌ای‌ای پلاس"،

جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید

مردم شریف و آزاده ایران! در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشم‌انداز روشن و قابل حصولی را نمی‌توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم از این رو است که مردم ستمدیده ایران زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب با از جان گذشتگی کم نظیری خیابان‌های شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده‌اند و از پنج ماه پیش به رغم سرکوب خونین حکومت لحظه‌ای آرام نگرفته‌اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستمدیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما عموم مردم ایران تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پایی جامعه‌ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیر گذاری تاریخی و تعیین کننده‌ای در شکل دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش بر آن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهائی مردم از همه اشکال ستم

## برشی از استراتژی حزب کمونیست ایران

### مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست ایران

در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ سازمانهای درون "جنبش چپ ایران" هنوز تصویر روشنی از اهداف برنامه‌های خود نداشتند. پراکندگی سازمانی و سلطه دیدگاههای عموم خلقی بر تفکر و عمل "جنبش چپ ایران"، اجازه نداد که استراتژی روشنی در قبال شرایط جدید در پیش بگیرد. مشکل چپ ایران در آن دوره اگر چه ظاهراً معرفتی بود، اما از یک زاویه ماتریالیستی در پایه ای ترین سطح دلیل آن بازتاب وزن اجتماعی خرده بورژوازی در جامعه ایران و حضور فعال این طبقه در عرصه مبارزات سیاسی آن دوره بود. نمایندگان فکری این طبقه در درون "چپ ایران"، حامل دیدگاههای "پوپولیستی" بودند. در همان حال طبقه کارگر هم اگرچه نتوانسته بود رهبری سیاسی خود را شکل بدهد، اما با حضور مؤثر خود در صحنه مبارزه بر علیه رژیم شاه و سرمایه داران، توانسته بود اعتبار اجتماعی غیرقابل انکاری در سطح جامعه ایران کسب کند و زمینه و امکان اجتماعی دور شدن "چپ ایران" از دیدگاههای خرده بورژوازیانه مسلط را فراهم سازد. حضور طبقه کارگر در جریان انقلاب ۱۳۵۷ و پایداری جریان کمونیستی در کردستان در مقابل رژیم اسلامی، به "چپ رادیکال" ایران امکان داد که با اعتماد به نفس بیشتری خود را برای دوره پس از شکست انقلاب ایران آماده سازد. برنامه حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست ابزار این حرکت بودند. اکنون به حکم شرایط عینی مبارزه طبقاتی و تکامل چپ ایران، مفاهیم برنامه ای تا حدود زیادی بعنوان یک دستاورد در سطح جنبش چپ ایران تثبیت شده اند و کم و بیش درک مشترکی از آنها وجود دارد. به همین دلیل انشعابهای سالهای اخیر در میان نیروهای سیاسی چپ ایران هیچکدام بر سر تفاوت‌های برنامه ای نبوده اند. از اینرو امروز در واقع، استراتژی آن حلقه اصلی ای است که جداییها و یا ائتلافها و نزدیکیها را میتواند توضیح بدهد.

مبارزه سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر مجموعه ای از اقدامات منفرد و منزوی و نامربوط به همدیگر نیستند، بلکه این مبارزه پروسه ای به هم پیوسته است. طبقه کارگر برای بهبود شرایط کار و زندگی اش به طور طبیعی مبارزه میکند، در نتیجه این مبارزه عقب نشینی هائی را به دشمن طبقاتی تحمیل میکند، شرایط زندگی اش بهبود میابد، بهبود شرایط زندگی به وی فرصت پرداختن به امور دیگری را میدهد، با روشنفکران کمونیست و انقلابی ارتباط برقرار میکند، افق پیشارویش بازتر میشود، جایگاه خود را به عنوان یک طبقه درمییابد، وارد میدان مبارزه سیاسی میشود، با مبارزات خود آزادیهای دموکراتیک و حقوق عمومی تری را به دشمن تحمیل میکند، کسب آزادیهای دموکراتیک به وی فرصت سازمانیابی و تشکل را میدهد، راههای قانونی برای تغییر مناسبات موجود را بر روی خود بسته می بیند، حزب سیاسی کمونیستی خود را ایجاد می کند و یا به حزب سیاسی کمونیستی موجود پیوند می خورد، درمی یابد که وی اساساً به دلیل محرومیتش از مالکیت بر ابزار تولید است که به اسارت سرمایه درآمده است، از اینرو برای رهایی از این اسارت، انقلاب می کند، با انقلاب خود ماشین دولتی بورژوازی را درهم می شکند، قانون اساسی خود را به تأیید اکثریت جامعه می رساند، دولت خود را تشکیل می دهد، تولید برای تأمین نیازهای جامعه را جایگزین تولید برای سود می کند. این پروسه همچنان ادامه دارد تا تحقق برابری و رفاه، این دو را هم با تغییرات گام به گام و به تدریج، با پروژه توسعه اقتصادی و تولید انبوه و در نتیجه تغییر فرهنگ و اخلاقیات جامعه عملی میکند و سپس با پایان دادن قطعی به نظام طبقاتی و استقرار جامعه کمونیستی وجود دولت نیز غیر ضروری می شود و پروسه زوال آن نیز به فرجام خواهد رسید. چنانکه می بینیم این یک پروسه بدون وقفه و به هم پیوسته است. در خلال این پروسه ممکن است شکست ها و عقب نشینی هایی پیش بیاید، توقف های کوتاه مدتی تحمیل شود، اما جهت اصلی حرکت تغییر نخواهد کرد. درک این پیوستگی از ملزومات تعیین یک استراتژی پیروزمند است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم. ۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست. مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق تری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی

تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه تشکل‌های دانشجویی دانشجویان متحد

کانون مدافعان حقوق بشر

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

شورای سازماندهی

اعتراضات کارگران پیمانی نفت

خانه فرهنگیان ایران (خافا)

بیدارزنی

ندای زنان ایران

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کانون مدافعان حقوق کارگر

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

کمیته هماهنگی ب

رای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

اتحاد بازنشستگان

شورای بازنشستگان ایران

تشکل دانشجویان پیشرو

شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران

سندیکای نقاشان استان البرز

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

شورای بازنشستگان سازمان تامین

اجتماعی (بستا)

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له

## بمناسبت مرگ

## رفیق عیسی جمشیدی

با تأسف و تأثر فراوان رفیق عیسی جمشیدی (عیسی سوور) کادر برجسته حزب کمونیست ایران و فرمانده انقلابی، لایق و کاردار، توانمند، فداکار، جسور، و از چهره های محبوب کارگران و زحمتکشان کردستان صبح امروز شنبه ۱۵ بهمن برابر با ۴ فوریه در منزل خود در شهر استکهلم به دنبال سالها مقاومت در برابر بیماری دیابت، در سن ۶۵ سالگی زندگی را به درود گفت.

رفیق عیسی در روستای نجف ناوا از توابع کامیاران در خانواده ای زحمتکش دیده به جهان گشود. عیسی در همان سنین نوجوانی برای کمک به تأمین معیشت خانواده در شهرهای مختلف به کارگری پرداخت و از نزدیک با درد و رنج و شرایط زندگی کارگران آشنا شد. او قبل از وقوع قیام سال ۱۳۵۷ سرباز وظیفه بود، اما شور و شوق مبارزه جویی وی در اوان جوانی و احساس مسئولیت در قبال سرنوشت اعتراضات توده های مردم که برای جaro کردن بساط دیکتاتوری سلطنتی پهلوی از صحنه سیاسی ایران به پا خاسته بودند، او را بر آن داشت که پادگان را ترک و به صف پرشور مبارزات توده ها بپیوندد. رفیق عیسی با به سرانجام رسیدن قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی به صفوف تشکیلات کومه له پیوست و به سرعت به چهره ای قابل اتکا و اعتماد در میان پیشمرگان و توده های کارگر و زحمتکش منطقه تبدیل شد.

آنچه در ذهن و خاطره همه کسانی که او را از نزدیک می شناسند ثبت شده این است که، عیسی جمشیدی مظهر صداقت، فداکاری، احساس مسئولیت، قاطعیت در امر مبارزه، با اعتقاد راسخ به سوسیالیسم و مبارزه علیه نظام سرمایه داری، مدافع پیگیر منافع کارگران و توده های مردم زحمتکش و ستمدیده بوده است. وجود عیسی جمشیدی در رأس هر واحد نظامی موجب آرامش خاطر و احساس امنیت برای پیشمرگان بود. رفیق عیسی در دوره های متمادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له بود. در دوره اخیر و در جریان برگزاری کنگره سیزده حزب و کنگره هیجدهم کومه له به دلیل بیماری نخواست در این موقعیت تشکیلاتی باقی بماند.

حزب کمونیست ایران و کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با اندوه فراوان درگذشت این انسان ارزشمند این کادر دلسوز و فداکار خود را از صمیم قلب به همسر عزیز و دلسوزش کبری غریبی، به فرزندان دلبندهش آلان و سارا، به خواهر گرامیش طلا جمشیدی و کلیه اعضا خانواده اش و به همه اعضا و هواداران حزب کمونیست ایران و کومه له، به کارگران و زحمتکشان کردستان و به همه انسانهای دوست دارش تسلیت می گوید. یادش را با ادامه راهش گرامی بدراریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۴ فوریه ۲۰۲۳ ۱۵ بهمن ۱۴۰۱



## تشکر و قدردانی

بعد از اعلام خبر مرگ نابهنگام رفیق عیسی جمشیدی از کادرهای قدیمی و رهبران شناخته شده کومه له و حزب کمونیست ایران و چهره آشنا و محبوب کارگران و زحمتکشان کردستان بسیاری از احزاب و سازمان های سیاسی، جمع ها و نهادهای کارگری و دوستان و رفقا و همزمان قدیمی از طرق مختلف، چه از طریق صدور اطلاعیه های علنی و ارسال پیام تسلیت، یا از راه پیام رسانی در شبکه های اجتماعی و تماس های تلفنی با ارگانهای رهبری و چه با حضور در مراسم خاکسپاری و گرامیداشت یاد رفیق عیسی در شهر استکهلم همدردی خود را با صفوف تشکیلات حزب و کومه له و با خانواده و بستگان وی ابراز داشتند.

بدینوسیله از همه این احزاب، سازمانها، نهادها و دوستان و رفقای عزیز و گرمی که به اشکال مختلف همدردی و محبت های خود را ابراز داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم. اگرچه غم از دست دادن عزیزان و همسنگران همیشه سخت است، لیکن ابراز محبت و همدردی گرم و صمیمانه شما تسلائی خاطر بزرگی در غم و اندوه جانباختن رفیق عیسی بود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۱ ۱۸ فوریه ۲۰۲۳



## گسترش اعتصابات و اعتراض‌های توده‌ای بر متن تشدید بحران اقتصادی

در خارج ساخته است. از سویی رئیسی روانه چین شد تا بلکه بتواند با جلب توجه چین به خرید نفت ارزان و امضای قراردادهای اقتصادی اسارتبار دراز مدت، کجدار و مریز بخشی از هزینه‌های دولت را تأمین نماید. از سوی دیگر خامنه‌ای را وادار به روی آوری طرح حراج اموال دولت تحت عنوان باصلاح مولد سازی داراییهای دولت کرده تا بلکه بطور موقت هم شده بخشی از کسری بودجه ۵۰ درصدی سال آینده را تأمین کند. البته طرح مزبور از همان ابتدا با اعتراضات زیادی مواجه شد و حکومت را برآن داشت تا با صدور قانونی هر گونه اعتراض به این طرح را ممنوع سازد و برای مخالفان آن مجازات نیز در نظر گیرد. طرحی که نه تنها نمی‌تواند کسری بودجه را تخفیف دهد بلکه موجب افزایش فساد رانتی نیز خواهد شد و از حالا عده‌ای از رهبران و مسئولان بالای حکومتی خود را برای تصاحب بخشهایی از این اموال گرانبها آماده کرده اند. در اقدامی دیگر حسین امیرعبداللهیان را روانه بغداد کرده اند تا دست به دامان دولت عراق برای وساطت در جهت بهبود رابطه با آمریکا و عربستان سعودی و مصر شود و بتواند راهی نیز برای دور زدن مقررات و سخت‌گیری‌های یکی دو ماه اخیر آمریکا در کنترل بانک و بازار عراق به منظور جلوگیری از قاچاق دلار به ایران پیدا کند. این امر بحران ارز جمهوری اسلامی را دو چندان کرده است. زیرا رژیم در سالهای گذشته بخشی از نیازهای ارزی خود را از طریق تاراج و به غارت بردن اموال عراق تأمین کرده است و این کار را با همدستی عوامل خود در گروههای تروریست اسلامی عراق و تأسیس بانکها و ایجاد شرکتهای متعدد برای پولشویی انجام می‌داد.

گسترش اعتصاب و اعتراضات هفته گذشته بار دیگر نشان داد که برخلاف تبلیغات و ادعاهای کذب و بی اساس مقامات جمهوری اسلامی و دیگر جریانات ساده اندیش، جنبش انقلابی و سراسری پنج ماه گذشته برای سرنگونی رژیم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی، اگر از شکل اعتراض و جنگ و گریز خیابانی فاصله گرفته، اما در اشکال مختلف همچنان ادامه دارد و آنچنان رژیم را تحت فشار قرار داده که از رمق افتاده و نفسهای آخر را می‌کشد. دیگر هیچ درجه از سرکوب و توحش دستگاهها و نیروهای مزدور نظامی و امنیتی نخواهد توانست اعتراضات کارگران و توده‌های مردم زحمتکش و ستمدیده را خاموش سازد و رژیم را از مرگ محتوم و البته دیر هنگام نجات دهد.

معاند برای اعتصاب صنوف تجاری و تداوم تجمعات در کشور و احتمال پیوند آن به حوزه کارگری، این تجمعات به برخی شرکت‌های خودروسازی و تأمین قطعات نیز سرایت کرده و کارگران این بخش اعتراضاتی را در هماهنگی با دیگر کارگران انجام داده اند.

علیرغم وجود فضای شدید سرکوب و خفقان حکومتی، طی دو روز، اول و دوم اسفند بیش از ۳۰ حرکت اعتراضی از جانب کارگران، بانزستگان، معلمان و دیگر اقشار جامعه در اعتراض به گرانی و کاهش قدرت خرید مردم و عدم پرداخت دستمزدها صورت گرفته است. اعتصاب کارگران فولاد اردستان، کارگران پروژه ای پتروشیمی کنگان و مسجد سلیمان، کارگران شرکت سرب و روی یزد، زنجان و چابهار، اعتراضات ناوایان تهران و نیشابور، تجمعات اعتراضی وسیع بانزستگان در چندین شهر با شعار وعده وعید کافیه سفره ما خالیه، تجمعات معلمان استان فارس در مقابل آموزش و پرورش با شعار عدالت کجایی کجایی؟، تجمع اعتراضی همزمان بانزستگان مخابرات در بیش از هفت استان و تجمع بانزستگان دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، از آن جمله می‌باشند. این اعتصابات و اعتراضها اگرچه حول خواسته‌های اقتصادی شکل می‌گیرند، اما در شرایط کنونی از اهمیت سیاسی برخوردارند و جلوه‌هایی از تداوم جنبش انقلابی را نشان می‌دهد.

روز چهارشنبه سوم اسفند نیز بازاریان تهران علیه اوضاع نابسامان اقتصادی تجمع اعتراضی برپا کردند که زنان در آن حضور فعال و چشمگیری داشتند. در این اعتراضات مردم با شعاری از قبیل دلار شده ۵۰ تومان - کی تو پا می‌شی هموطن؟، درآمدها ریالیه، هزینه دلاریه، مرگ بر دیکتاتور، علیه گرانی و تورم و بی‌ثباتی بازار دست به اعتراض زدند. در شهر مرزی بانه نیز که یک مرکز مهم بازرگانی در ایران به حساب می‌آید، بازاریان و کاسب‌کاران به وضعیت وخیم اقتصادی و بی‌رونی بازار اعتراض کردند. کل این اعتراضات سازمان یافته و بنا به فراخوانهایی صورت گرفتند که از چند روز قبل توسط تشکلهای مربوطه داده شده بودند.

عدم توانایی و یأس حکومت اسلامی در پاسخگویی به خواست و مطالبات کارگران و اقشار تهیدست جامعه و نگرانی از پیشروی جنبش انقلابی سراسری و اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای در داخل، رهبران و کاربدستان حکومت را در تلاش برای از سر گذراندن بحران اقتصادی وادار به انجام اقداماتی

بحران اقتصادی که جمهوری اسلامی با آن دست به گریبان است روز به روز تشدید میشود. روز سوم اسفند برای چندمین روز متوالی، ارزش ریال در مقابل دلار کاهش یافت و قیمت هر دلار در بازار آزاد مرز ۵۰ هزار تومان را پشت سر گذاشت. این درحالی است که چند روز قبل رئیس بانک مرکزی رژیم وعده کاهش حتمی قیمت ارز و کنترل بازار را داده بود. بنا به آخرین گزارش مرکز آمار رژیم نرخ تورم کلی در بهمن ماه سال جاری به ۵۳.۴ درصد افزایش یافته و نرخ تورم نقطه به نقطه در این ماه برای گروه خوراکی و آشامیدنی ها ۷۰.۵ درصد بوده و شاخص بهای شیر، پنیر و تخم مرغ ۸۲ درصد بالا رفته است. به نوشته روزنامه اعتماد به دنبال حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از ابتدای تابستان نرخ تورم نقطه به نقطه در بخش کالاهای خوراکی جهش ماهانه داشته است. تاجائی که این تورم در آذر ماه ۶۳.۳ بوده در ماه بهمن به ۷۰ درصد و اینک به ۸۶ درصد رسیده است. این هشتمین ماه پیاپی است که تورم سالانه اقتصاد جمهوری اسلامی بالای ۴۰ درصد بوده و اینک به بالای ۵۰ درصد نیز رسیده است.

انتشار چنین گزارشهایی از تعمیق بحران اقتصادی و ورشکستگی جمهوری اسلامی درحالی است که ابراهیم رئیسی چند روز قبل در کمال بی‌شرمی ادعا می‌کرد که: شاخصهای اقتصادی رژیم رو به بهبود بوده و تورم نیز از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافته است. این را نه دروغگویی بلکه باید به حساب شیادی رئیس جمهور اسلامی گذاشت. اوضاع اقتصادی رژیم آنچنان آشفته است که بنا بر نظر برخی از تحلیلگران اقتصادی در داخل ایران کنترل اقتصاد در بعضی از حوزه‌ها از جمله بازار ارز از دست دولت خارج شده و سیاستها و راهکارهایی که دولت ارائه می‌دهد هیچ کمکی به برون رفت از بحران موجود نمی‌کند. یکی از نمایندگان مجلس یک دست ارتجاع، اعتراف کرده که "دولت هیچ کاری نکند بهتر است چون هر اقدامش کار را خراب تر میکند". ناتوانی رژیم در تأمین نیازهای اولیه و حیاتی زندگی توده‌های مردم موج جدیدی از اعتراض و اعتصابات کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه را برانگیخته است و جمهوری اسلامی را بیش از پیش نگران کرده است. روز چهارشنبه سوم اسفند محمد کاظمی، معاون فرمانده سپاه پاسداران و رییس سازمان اطلاعات سپاه در گزارشی به محمد مخبر، معاون اول ابراهیم رئیسی هشدار داده که "نظر به فراخوان گسترده رسانه‌ها و گروه‌های



## رمز گرامیداشت ۲۶ بهمن روز کومه له!



است. کومه له پس از ۹ سال و چند ماه فعالیت مخفی، به دنبال جانباختن رفیق "محمد حسین کریمی" از بنیانگذاران کومه له که در گرماگرم قیام و خروش مردم ایران علیه رژیم شاه، در پیشاپیش صفوف مردم بپاخاسته و انقلابی شهر سقز، در روز ۲۳ بهمن در حمله به شهربانی این شهر هدف گلوله مزدوران رژیم شاه قرار گرفت و در روز ۲۶ بهمن با دلی آکنده از عشق به رهایی کارگران و زحمتکشان جانباخت، رسماً فعالیت علنی خود را آغاز کرد. رهبران و فعالین کومه له برای توده های کارگر و زحمتکش، چهره های ناشناخته ای نبودند. همان یاران قدیمی آنها، مبارزان مقاوم زندانهای رژیم شاه، فعالین و مبارزین جنبش های کارگری و دهقانی، مدافعان راستین حقوق زنان، رهبران با نفوذ توده های وسیع مردم و رهبران مبارزه دوران قیام و شورش آنها بودند!

کومه له بعد از قیام سال ۵۷ با سازماندهی مبارزه ای همگانی و توده ای و رهبری جنبش مقاومت در مقابل یورش ضد انقلابی جمهوری اسلامی، و همچنین مقاومت سرسختانه در برابر مرتجعین محلی، دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده جامعه را در سرلوحه فعالیت خود قرار داد. آنچه که پس از قیام سرنوشت این تشکیلات را با سرنوشت میلیونها انسان ستمدیده و تشنه رهایی گره زد، مقاومت کومه له در مقابل دشمنان رنگارنگ و دوستان ریاکار و دروغین کارگران و زحمتکشان بود. دفاع از دهقانان در برابر مالکان، دفاع از زحمتکشان روستا در مصادره اراضی، دفاع از زنان در برابر ارتجاع حاکم و فرهنگ و سنت های پوسیده مرد سالارانه، دفاع از کارگران در برابر سرمایه داران، دفاع از مسلح ماندن مردم و تلاش برای مسلح کردن زحمتکشان، تشکیل و ایجاد انواع تشکل و جمعیت و اتحادیه دهقانان، شورای زنان و دانش آموزان، و در همان حال تلاش در جهت به میدان آوردن وسیع و گسترده توده های مردم در مقابل تهدیدهای جمهوری اسلامی که در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ به لشکرکشی سراسری منجر گشت. سازماندهی حرکت توده ای بزرگی چون کوچ تاریخی مردم شهر مریوان و سازماندهی دیگر تظاهرات و راهپیمائی ها که نماد دخالت دادن

نوینی را می طلبیدند. هسته های اولیه کومه له و آن روشنفکران انقلابی که در آن دوران، نسبت به مسائل کارگران و زحمتکشان همدلی و احساس مسئولیت می کردند؛ تلاش کردند تا به مسائل و نیازهای مبارزاتی این دوره پاسخ دهند. کم نبودند فعالین کمونیست کومه له که کاروان های کارگران کردستان را تا معدن های سمنان و دامغان، تا باراندازهای بندرعباس، تا اهواز و آبادان، تا کرمان و رفسنجان، تا تهران و اصفهان، همراهی می کردند و دوش بدوش آنها کار کرده و در میانشان بذر آگاهی می پاشیدند؛ آنها را با درد و رنج و مصیبت های دنیای سرمایه داری، و راه رهایی از ستم و استثمار آشنا می کردند؛ اعصاب و مباراتشان را سازمان می دادند و رهبری می کردند!

در آغاز انقلاب سال ۵۷ کادر ها و فعالین صفوف کومه له در بین زحمتکشان و مردم آزادیخواه، به چهره های سرشناس پیشرو و مورد اعتماد مردم بپاخاسته و رهبر مبارزات توده ای در همه شهرها و مناطق کردستان تبدیل شدند. کومه له در جواب به مسائل جدید اجتماعی و سیاسی که در آغاز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مطرح شده بودند، اولین کنگره سازمانی خود را در پاییز سال ۱۳۵۷ برگزار کرد. هر چند دیکتاتوری رژیم شاه فرصت تدارک سیاسی و تشکیلاتی لازم برای پاسخگویی به مسائل آن دوره را به کومه له نداده بود، اما کومه له با تمام کمبودها و ضعف هایی که کنگره اول از آن بشدت رنج می برد تصمیم گرفت که با تمام توان خود مبارزه توده ای در کردستان را در راستای منافع کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به پیش برد. از همان زمان تاکنون کومه له آن سازمانی است که نسبت به مسائل و مشکلات کارگران و توده های زحمتکش مردم، پایمال شدن حقوق و آزادی های آنها، بی حقوقی زنان و تحقیر هر روزه آنان حساس بوده و برای تقویت و هدایت مبارزات آنان با احساس مسئولیت رفتار کرده است. کومه له بنا به توان خود و آمادگی نیروهای اجتماعی حاضر در صحنه، بی دریغ در جهت پیشروی و پیشبرد مبارزه کارگران و محرومین جامعه و در جهت حفظ تمامی دستاوردها و منافع آنها مبارزه کرده و بدین ترتیب پیوند بین خود و توده زحمتکشان را عمیق و محکم تر ساخته

کارگران و زحمتکشان کردستان که کومه له را در دامان خود پرورده کرده اند در روز ۲۶ بهمن بار دیگر به آمال و آرزو ها و اهدافی می اندیشند که طی سال های گذشته و تحت رهبری کومه له به خاطرشان مبارزه کرده اند. بهترین عزیزانشان را در راه رسیدن به این آرمان ها از دست داده اند و به فردایی می اندیشند که کومه له با برنامه و استراتژی سیاسی اش، با عملکرد و عزم راسخ انقلابی در مقابل چشمانشان گشوده است. به پیوند محکم و عمیقی می اندیشند که با کومه له برقرار ساخته اند، و به خطراتی که در طول سال ها مبارزه در دلهايشان جا داده اند، خطراتی که برایشان عزیز و گرامی است، و نه تنها زندگی امروز بلکه زندگی فردایشان را نیز رنگ و بو می دهد. به عهد و پیمانی می اندیشند که هر سال در روز ۲۶ بهمن، روز کومه له آن را تازه می کنند. عهد و پیمانی که تا کسب آزادی و برابری تا برپایی حکومت کارگری و برافراشتن پرچم سوسیالیسم هر باره و هر روزه بر آن پای می فشارند. کومه له بمثابة سازمانی سیاسی با اهداف، برنامه، استراتژی و آرمان های کمونیستی و کارگری، که امروز با زندگی و مبارزه و احساس میلیونها انسان زحمتکش درهم آمیخته است، سالهای پر از مبارزه، مقاومت و سرسختی کم نظیری را پشت سر گذاشته است.

کومه له در پائیز سال ۱۳۴۸ در متن شرایط اجتماعی خاصی به وجود آمد. شرایطی که با تسلط مناسبات سرمایه داری و فروپاشی نظام فئودالی، روی آوری زحمتکشان روستائی به شهرهای ایران و رشد کمی طبقه کارگری که غیر از فروش نیروی کارهیچ وسیله دیگری جهت تامین زندگی خود نداشت، مشخص می گردد. رشد کمی این طبقه اجتماعی و تمرکز آن در شهرها، سیمای سیاسی جامعه را دگرگون ساخت، همه مسائل اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده و کشمکش های جدیدی را در تمامی گوشه و زوایای جامعه بوجود آورد. کشمکش کارگران با سرمایه دارن بر سر ابتدایی ترین حقوق خود، بر سر چگونگی بهره مندی از امکانات زندگی شایسته انسان به بخشی از واقعیت جامعه تبدیل شد. چنین کشمکش های گسترده و اجتماعی که در شهر و روستا در جریان بود، جواب انقلابی خود و مبارزه



مستقیم مردم در عرصه مبارزه سیاسی بودند، موجب شدند تا کومه له بتواند بعد از یورش نظامی رژیم اسلامی نیز پرچمدار مقاومت توده ای و مسلحانه مردم کردستان در مقابل یورش نیروهای اشغالگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی گردد.

پس از آزاد کردن شهرها توسط مردم و نیروی پیشمرگ که رژیم را به زانو درآورده و ریاکارانه به مذاکرات تن داد، در حالیکه حزب بورژوائی به منظور خاموش نمودن مبارزات، حاضر بود به هر معامله و سازشی تن در دهد، قاطعیت و کاردانی کومه له در مذاکرات با رژیم در جهت حفظ منافع جنبش و منافع کارگران و زحمتکشان و گسترش آزادی های دموکراتیک، سازماندهی هر چه وسیعتر فعالیت های آگاهگرانه در فاصله دو لشکرکشی رژیم به کردستان، بار دیگر توانائی کومه له را در رهبری مبارزات انقلابی مردم کردستان و به میدان آوردن طبقه انقلابی بخوبی نشان داد. در طول سالهای بعد از قیام، تغییر و تحولات اجتماعی جامعه کردستان، مسائل اجتماعی زیادی رامطرح و ایجاد کرده و مبارزاتی را دامن زده است. وجود چنین مسائل و مبارزاتی، کومه له را بیش از پیش معطوف به پاسخ گفتن به این مسائل و مبارزات نموده است. انجام این مبارزه و پیشروی در این عرصه ها به قیمت فداکاری و جانبازی هزاران تن از پیشروترین و دلسوزترین انقلابیون کمونیست میسر شده است.

کومه له با مشارکت فعالانه در پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران که زمینه های فکری، سیاسی و برنامه ای آن در کنگره دوم کومه له در بهار ۱۳۶۰ و کنگره اول سازمان اتحاد مبارزان کمونیست فراهم شده بود، در پاسخ گویی به یک ضرورت سیاسی مهم در یکی از حساس ترین لحظات حیات جنبش کمونیستی ایران نقش برجسته ای ایفا کرد. کومه له در شرایطی که انقلاب ایران زیر ضربات حکومت ضد انقلاب اسلامی آخرین نفس های خود را می کشید، بازو در بازوی بخش رادیکال کمونیست های ایران در شهریور ۱۳۶۲ پرچم تأسیس حزب کمونیست ایران را بر افراشت. اما حزب کمونیست ایران و کومه له به عنوان بخش جدایی ناپذیری از آن در مقاطعی از حیات خود با کشمکش های حاد درونی روبرو شده که هر بار به رفتن و انشعاب از آن منجر شده اند. اما به رغم زیان ها و لطماتی که این انشعاب ها از خود بجای گذاشتند، کومه له با استقامت و پایداری در دفاع از باورهای کمونیستی اش زیر بار پیامدهای این انشعاب ها کمر راست کرده و با دفاع پیگیر از منافع

کارگران و زحمتکشان و با پافشاری بر ارکان استراتژی سوسیالیستی و ایفای نقش رهبری در جنبش انقلابی کردستان نگذاشت که پایه اجتماعی آن در درون جامعه با از هم گسیختگی جدی روبرو شود.

امروز حاصل بیش از چهار دهه فعالیت علنی کومه له، حاصل فعالیت مشترک کومه له و توده های کارگر و زحمتکش را در میزان هوشیاری و توانائی، کارائی و نفوذ اجتماعی این جریان می توان دید. حاصل این همه سال کار و تلاش در قدرت یابی صف انقلاب سوسیالیستی، در گسترش و نفوذ و اعتبار اجتماعی کمونیسم، در نفوذ افکار و سنت های کمونیستی در بین کارگران کردستان، در آشنائی کارگران و زحمتکشان و زنان مبارز با حقوق پایه ای خود، با آرمان آزادی، برابری، حکومت کارگری تجلی یافته است.

کومه له بمتابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در طول زندگی مبارزاتی خود همواره بر اهمیت اتحاد و همبستگی سیاسی و طبقاتی کارگران در سراسر ایران تأکید کرده است. کارگران در کردستان در پرتو همین جهت گیری های استراتژیک سوسیالیستی است که امروزه در مبارزه برای احقاق حقوق و مطالبات پایمال شده خود در مبارزه علیه ستم و استبداد رژیم اسلامی سرمایه در ایران، خود را در کنار کارگران نیشکرهفت تپه، فولاد اهواز، ایران خودرو، کارگران نفت و پترو شیمی ها، هیکو و آذراب در اراک، معلمان و دیگر بخش های جنبش کارگری ایران می بینند. در جریان خیزش آبان ۹۸ و جنبش انقلابی جاری نیز مردم زحمتکش کردستان و به حاشیه رانده شده ها در بعد اجتماعی نشان دادند که برای رهایی از چنگ جمهوری اسلامی راهی جز همبستگی با تئیدستان شهری در دیگر نقاط ایران و جنبش انقلابی سراسری برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی در پیش ندارند. این تحولات نشان می دهد که جنبش سوسیالیستی در کردستان که یک جنبش سازمانیافته است از چه موقعیت هایی برای عمیق تر کردن و گسترش پیوند جنبش انقلابی کردستان با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سطح سراسری برخوردار است. این پیوندهای مبارزاتی یکی از رمزهای پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی کردستان است.

این موقعیت به کومه له به عنوان یک تشکیلات کمونیستی امکان می دهد که بیش از هر زمان دیگر موجودیت خود را به پایه اجتماعی خود متکی نماید. یعنی پیوندهای خود را با کارگران و زحمتکشان کردستان عمیق تر کند،

شبکه های تشکیلاتی خودش را در میان آنان گسترش دهد، به تناسب نفوذ و اعتبار اجتماعی که دارد تشکیلات حزبی خود را گسترش دهد، همه ظرفیت های خود را برای به میدان آوردن و سازمان دادن این نیروی اجتماعی بکار بیندازد بطوریکه در هر توازن قوایی بتواند وحدت و یکپارچگی این نیروی اجتماعی را حفظ کند. کومه له به هر میزان که بتواند طبقه کارگر و مردم زحمتکش و زنان ستمدیده کردستان را به میدان مبارزه سیاسی بیاورد، جنبش سوسیالیستی را در موقعیت مناسبتری برای عملی کردن راه حل سوسیالیستی جهت رفع ستمگری ملی قرار می دهد.

کومه له به تکیه بر موقعیت اجتماعی جنبش سوسیالیستی در کردستان می تواند نقش تعیین کننده ای در برآه انداختن جنبش شورایی در کردستان داشته باشد. باید ایده سازمان و حاکمیت شورایی را به میان هر جمع و محفلی برد. در شرایطی پنج ماه از آغاز جنبش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا آغاز شد می گذرد، باید برای برپا کردن شوراها در هر کارخانه و مرکز تولیدی، در هر محله، شهر و شهرک و روستایی در کردستان تلاش کرد. اگر بر این باوریم که جنبش سوسیالیستی در کردستان در ابعاد اجتماعی یک جنبش سازمانیافته و متحزب است، این ظرفیت و سازمانیافتگی باید در گام های استوار جهت به راه انداختن یک جنبش شورایی در کردستان خود را نشان دهد. به راه انداختن یک جنبش شورایی یکی از دیگر رمزهای پیروزی جنبش انقلابی کردستان است. بدون به راه انداختن یک جنبش شورایی نیرومند، این نگرانی وجود دارد که توده های مردم ستمدیده کردستان در تغییر و تحولات آینده یک بار دیگر به حاشیه رانده شوند و بعد از چند دهه مبارزه امکان این را پیدا نکنند که به شیوه ای مستقیم در حاکمیت و اداره و مدیریت جامعه نقش ایفا کنند. به راه انداختن یک جنبش شورایی و حاکمیت شورایی در کردستان در پیوند و همبستگی با جنبش سراسری می تواند در سطح خاورمیانه به حمایت جریان سوسیالیستی از جنبش های آزادی خواهانه عمق استراتژیک ببخشد.

رمز محبوبیت و گرامیداشت ۲۶ بهمن، روز کومه له از طرف کارگران و مردم زحمتکش کردستان در این است که کومه له پیشاپیش آنان، در سنگر مبارزه آنان، در دفاع بی امان از منافع آنان و بدون هیچ مماشاتی با دشمنان طبقاتی آنان این راه را تا به آخر و تا رسیدن به فردای پیروزی با سربلندی ادامه دهد. روز کومه له روز تجدید عهد و پیمان برای ادامه این راه است.



## برگزاری مراسم ۴۴مین سالروز فعالیت

## علنی کومه له در استکهلم سوئد

شنبه شب ۱۱ فوریه مصادف با ۲۲ بهمن ماه، چهل و چهارمین سالروز فعالیت علنی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) با حضور جمع وسیعی از فعالین چپ و کمونیست، نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی، دوستان و اعضای حزب کمونیست ایران در استکهلم برگزار گردید.

مجری برنامه، رفیق صدیقه محمدی ضمن خیرمقدم به حاضرین در مراسم به دو زبان کردی و فارسی، فهرست برنامه را به اطلاع شرکت کنندگان رساند. مراسم با پخش سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر رسماً آغاز شد. سپس شرکت کنندگان در مراسم درگرمی داشت یاد رفیق جانباخته محمد حسین کریمی که در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ جان باخت و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و همچنین آخرین جانباخته صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران رفیق گرنامه عیسی جمشیدی، ایستاده، یک دقیقه کف زدند.

کف زدن ممتد حاضرین با اجرای قطعه شعری توسط رفیق محمد کمالی پایان یافت و متعاقب آن رفیق حسن شمس دیبرکمیته مرکزی کومه له به مناسبت این روز سخنرانی کرد. متعاقب سخنان رفیق حسن، کلیپی که مختصری از یادنامه رفیق عیسی جمشیدی بود نمایش داده شد و سپس دسته گلی از جانب برگزارکنندگان مراسم به همسر زنده یاد عیسی جمشیدی تقدیم شد. دکلمه شعر زیبای دنیای آرزویم با صدای کمونیست جانباخته ناصح مردوخ پایان بخش یادمان جانباختگان بود و پس از آن پیام احزاب و سازمانهای سیاسی از جمله کانون زندانیان سیاسی، سازمان فدائیان (اقلیت)، حزب کمونیست کارگری (حکمیست)، شورای حمایت از مبارزات مردم ایران در استکهلم، سازمان راه کارگر، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران توسط نمایندگان آنان قرائت شد و پیام رفقای هسته اقلیت و حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) به درخواست خودشان توسط رفیق مجری قرائت گردید.

پایان بخش ۴۴مین سالروز فعالیت علنی کومه له، برنامه شعرخوانی بود که توسط رفقا روناک شوانی، هژیر نینا و رویا صادقی پیش رفت.

آخرین قسمت برنامه اختصاص یافت به سخنانی از جانب رفیق ابراهیم رستمی.

کمیته برگزاری مراسم روز کومه له - استکهلم ۱۳ فوریه ۲۰۲۳

## متن خلاصه شده سخنرانی حسن شمس در مراسم سالروز کومه له در استکهلم



مهمانان گرامی، نمایندگان محترم احزاب و سازمانهای سیاسی، شرکت کنندگان عزیز در مراسم روز کومه له!

با سلامی گرم و تشکر از حضورتان در این مراسم، از جانب همه صفوف کومه له به شما خیر مقدم می گویم.

روز کومه له روز گرامی داشت یاد و خاطره همه جانباختگان کومه له و راه آزادی و سوسیالیسم است. روز گرامی داشت یاد رفیق محمد حسین کریمی از رهبران کومه له است که در جریان تسخیر شهر بانی رژیم شاه در زمان قیام و در چنین روزی در راه آرمان رهایی جانباخت. روز کومه له سالروز جانباختن این انسان انقلابی و کمونیست است. در این روز لازم است همچنین درود بفرستیم به خانواده سرفراز همه جانباختگان کومه له و حزب کمونیست ایران. متأسفانه هفته گذشته نیز یکی دیگر از رهبران کمونیست و از فرماندهان جسور و فداکار کومه له، رفیق عیسی جمشیدی را از دست دادیم. یاد این انسان فداکار و محبوب کارگران و زحمتکشان کردستان را با ادامه راهش گرامی می داریم.

رفقا! در روز کومه له امسال باید یاد و خاطره عزیز بیش از ۵۰۰ نفر از جانباختگان جنبش انقلابی سراسری در ایران را گرامی بداریم که به دست جنایتکاران رژیم جانباختند. به خانواده های مقاوم و سرفراز شان درود بفرستیم که حامی و پشتیبان اهداف جگرگوشگانشان بودند و بار اندوه مرگشان را تحمل کردند.

رفقای عزیز! به دلیل اهمیت این جنبش انقلابی سراسری با توجه با ضیق وقت نمی خواهم به تحلیل اوضاع سیاسی جهان و منطقه بپردازم. تنها به این بسنده می کنم که جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه در داخل با بحرانهای عمیق و همه جانبه دست به گریبان است، در سطح بین المللی و منطقه ای نیز در موقعیت بسیار دشواری قرار گرفته است. بحران اقتصادی سرمایه داری در ایران به

دلیل ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رژیم گسترده تر و عمیق تر شده است. سیاست مداخله گرانه و جنگ افروزان رژیم اسلامی در کشورهای منطقه با هدف حفظ و تداوم حاکمیتش، علاوه بر آنکه که موجب ویرانی و کشتار دهها هزار نفر از مردم بی دفاع عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن و افغانستان شده، علاوه بر آنکه در طی سالیان متمادی صدها میلیارد دلار از سفره کارگران و مردم زحمتکش ایران را در راستای اجرای این سیاستهای ضد انسانی به هدر داده، موجب برافروختن خشم و نفرت توده های مردم این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی نیز شده است. مردم عراق و لبنان جمهوری اسلامی را مسبب فقر و بیکاری و نا امنی خود می دانند و در اعتراضات خود سفارت، کنسولگریها و مراکز رژیم را مورد حمله قرار می دهند.

در سطح جهانی نیز جمهوری اسلامی بدلیل جنایاتی که علیه مردم معترض ایران انجام داده، مورد انزجار افکار عمومی مردم قرار گرفته و دولتهایشان را مجبور کرده اند که علیه رژیم دست به اقداماتی نمادین هم بزنند. تحریمهای بیشتر و تلاش برای تروریست شناساندن سپاه پاسداران از آن جمله است.

اما در رابطه با اوضاع داخلی ایران. جنبش ژینا مهسا، که پنج ماه قبل با قتل حکومتی او به راه افتاد، در تاریخ ۴۴ ساله حاکمیت اسلامی بی نظیر بوده و تاکنون دستاوردهای زیادی داشته است. از جمله ۱- تداوم پنج ماهه این جنبش در مقایسه با جنبشهای گذشته که در عرض یک یا دو هفته فروکش می کرد. این بار رژیم با بکارگیری کلیه دستگاههای سرکوب و خرافه اش نتوانسته تاکنون آنرا سرکوب نماید و بر خلاف تبلیغات دروغین رژیم این جنبش هنوز در اشکال گوناگون ادامه دارد. ۲- این جنبش همبستگی میان مردم مبارز را هم در کردستان و هم در در سطح سراسری مستحکم تر نموده است. ۳- موجب ریزش در صفوف رژیم شده و بحران حکومتی را افزایش داده است. این جنبش روند مبارزه برای سرنگونی و بروز انقلاب را چندین گام جلو برده و تسریع کرده تا جایی که دیگر جامعه به شرایط پنج ما قبل بر نخواهد گشت. به این معنا می توان گفت توازن قوا به نفع جنبش انقلابی و به زیان رژیم تغییر کرده است. ۴- تداوم جنبش پرورنده قدرت سیاسی در ایران را بار دیگر گشوده است. مضمون شعارها کل حاکمیت را نشانه گرفته و بیانگر آنست که مردم مصمم هستند



از رژیم عبور کنند و بجای آن حاکمیت خود را بنا کنند. ۵- نیروی اصلی این جنبش، کارگران، زحمتکشان، ستمدیدگان و تهیدستان هستند؛ نسلی از جوانان پیشرو به پیشتازی زنان جسور هستند که با آتش زدن حجاب بعنوان نماد حکومت اسلامی، پایه‌های ایدئولوژیک رژیم را مورد تعرض قرار می‌دهند. این مشارکت نتیجه اعمال بیش از چهار دهه آپارتاید جنسیتی است. اینک دیگر تنها نخبگان زن نیستند که به میدان آمده‌اند بلکه بخش چشمگیری از زنان حتی زنان سستی نیز با شعار زن- زندگی- آزادی به میدان آمده‌اند. ۶- این جنبش در روند رو به گسترش خود به ویژه در کردستان جمع زیادی از جوانان آزموه سیاسی را در بطن خود پرورش داده که تا حدودی سازمانیافته و با برنامه مبارزات خود را پیش می‌برند. کمیته‌های انقلابی جوانان محلات را سازمان داده و هماهنگ عمل می‌کنند. یقیناً این کمیته می‌تواند سنگ زیر بنای تشکیل شوراها محلات باشند. رهبران واقعی جنبش آنان هستند. از دیگر دستاورد مهم این جنبش، تقارب و نزدیکی جنبشهای اجتماعی بهم است. جنبش انقلابی کردستان بیش از گذشته با جنبش کارگری، زنان، دانشجویی پیوند خورده است. این واقعیت در مضمون شعارها در سطح سراسری و کردستان قابل مشاهده است. این شعارها از سوی نشاندهنده تقویت همبستگی و اتحاد میان ملیتهای ایران است و از سوی دیگر توطئه‌های تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی میان مردم را با شکست مواجه کرده و تبلیغات شوینستی بورژوا لیبرالها با طرح تمهایی نظیر تمامیت ارضی، تجزیه طلبی، وحدت ملی و همه باهمی را خنثی کرده است. همه این دستاروهای با ارزشند و باید حفظ شوند و از آنها دفاع کرد. با این حال جنبش انقلابی سراسری هنوز کمبودهایی دارد و برای پیروزی نهایی نیازمند ملزوماتی برای پیشروی است و تلاشی همه جانبه می‌طلبد. از جمله ملزومات: ۱- وجود استراتژی و افق روشنی است که بتواند مطالبات توده‌های مردم معترض کف خیابان را پاسخ دهد. واضح است که بی حقوقی، محرومیت، تبعیض، فقر، بیکاری محصول نظام سرمایه داری هستند. اما ساختار سیاسی و اقتصادی رژیم آنها را چند برابر افزایش داده است. باید حکومت برآمده از انقلاب ماهیتاً قادر به پاسخگویی و ایجاد تغییرات جدی در زندگی و معیشت مردم معترض باشد. از این نظر تنها شعارهایی مانند مرگ بر خامنه‌ای یا مرگ بر جمهوری ئیسلامی و حتی زن- زندگی- آزادی نیز نمیتوانند پاسخگویی مطالبات اقتصادی

توده‌های مردم معترض باشند. ضروری است شعارهایی همچون نان- کار- آزادی اداره شورایی، آزادی برابری حاکمیت شورایی و شعارهای مشابه که خواست و مطالبات کارگران و مردم زحمتکش را مد نظر دارند، تبلیغ و ترویج شوند. ۲- مردم به درجاتی سازمان یافته هستند. ما شاهد ایجاد کمیته‌های انقلابی جوانان محلات، تشکلهای معلمان و دانشجویان باز نشستگان هستیم. با این وصف این میزان از سازمان یافتگی پاسخگوی نیاز کنونی جنبش نیست. رفقای ما و دیگر فعالان پیشرو و سوسیالیست باید تلاش کنند در دل مبارزات جاری تشکلهای بیشتری شکل گیرند و توسعه یابند. ایجاد تشکلهای دانش آموزی، تشکل توده‌های زنان و دیگر اقشار جامعه از ملزومات پیشروی جنبش می‌باشند. نسل جوانان پیشرو قادر به انجام چنین سازماندهی می‌باشند. ۳- وجود یک رهبری سراسری یکی دیگر از ملزومات پیشروی جنبش است. برخلاف ادعای اپوزیسیون راست، در بسیاری جاها رهبری به درجاتی شکل گرفته است و عمل می‌کنند اما باید تقویت گردند و ارتباط میانشان تأمین گردد تا در سطح محلی و سراسری بتوانند هماهنگ عمل نمایند. ۴- یکی دیگر از مشکلات بر سر راه پیشروی جنبش، توده‌ای نبودن آنست. توجه بیشتر رهبران عملی به مناطق پر جمعیت حاشیه نشین و پاسخ‌گویی به خواست و مطالباتشان می‌تواند یک فاکتور در جلب توجه آن‌ها به جنبش و توده‌های تر شدن آن باشد. بدون شک اکثریت قاطع مردم ایران مخالف جمهوری اسلامی هستند و طرفدار جنبش انقلابی سراسری می‌باشند. اما به دلایلی از جمله جنگ و گریز خیابانی ممکن است آمادگی پیوستن به آنرا نداشته باشند. اما رهبران عملی جنبش می‌توانند با سازماندهی مناسب از توان و تخصص آنان در جهت پیشرفت و تقویت جنبش استفاده کنند. ۵- گرچه اکنون نیز تعداد زیادی از معترضان کف خیابان کارگردان، اما متأسفانه به دلایل روشن کارگران صنایع اساسی به مثابه طبقه کارگر بشکل متحد و سازمانیافته نتوانسته‌اند به میدان بیایند و ایفای نقش نمایند. ما نقش طبقه کارگر را در تعیین تکلیف نهایی قیام ۵۷ دیدیم که چگونه با بستن جریان نفت، کار رژیم شاه را یک‌سره کردند. اما توطئه رژیم اسلامی در متفرق کردن کارگران در محیط کار با خصوصی سازی بخشهای مختلف و تحمیل قراردادهای موقت و نگهداشتن حربه اخراج بر سرشان به ویژه در شرایط گرانی و بیکاری آنان را محتاط کرده است. با این حال فعالان کارگری تلاشهای زیادی در این رابطه به عمل

چنین توطئه‌هایی را خنثی کند. اخیراً

## برگزاری مراسم گرامیداشت روز کومه له در کلن آلمان



شنبه هجدهم ماه فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۱ مراسم گرامیداشت ۴۴مین سالگرد گرامیداشت اعلام موجودیت کومه له با حضور جمع زیادی از اعضا، دوستان و هواداران کومه له و حزب کمونیست ایران و همچنین نمایندگان سازمان ها و احزاب سیاسی در شهر کلن آلمان برگزار گردید.

در آغاز، مجریان مراسم رفقا آنا محمودی و کیوان احمدی ضمن تبریک سالروز کومه له و خوش آمدگویی به مهمانان، فهرست برنامه ها را به زبان های کردی و فارسی اعلام نمودند.

مراسم با سرود ایترناسیونال سرود همبستگی جهانی کارگران از طرف گروه سرود کومه له آغاز شد. سپس یک دقیقه سکوت به یاد رفیق عیسی جمشیدی و تمامی جانباختگان صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران و همچنین جانباختگان راه آزادی و برابری اعلام گردید. سکوت با قطعه شعری شکسته شد. در ادامه، رفیق صلاح مازوجی سخنانی در گرامیداشت این روز و همچنین اولویت های کومه له و حزب کمونیست ایران در شرایط انقلابی کنونی جامعه کردستان و ایران، ایراد نمود. پس از آن رفیق آرزو بیکس قطعه شعری را تقدیم حضار کرد. در ادامه، تعدادی از افراد، نمایندگان سازمان ها و احزاب سیاسی از جمله شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان، شورای حمایت از اعتراضات مردم ایران - کلن، حزب کمونیست کارگری - حکمیست، حزب حیات آزاد کردستان، پژاک و جامعه زنان آزاد شرق کردستان، کژار پیام های خود را به مناسبت گرامیداشت روز کومه له قرائت کردند. پس از آن، سرود سوره سوار از طرف گروه سرود کومه له تقدیم شد. در ادامه سرودی به زبان لری از طرف رفیق جعفر امیری و همچنین سرود انقلابی ناگره سوره از طرف رفیق شاهرخ میروانی تقدیم شد که با استقبال گرم شرکت کنندگان روبرو گردید. پس از صرف شام، بخش دوم مراسم به پرسش و پاسخ اختصاص گردید. در این بخش، تعدادی از شرکت کنندگان، سوالات و همچنین نقطه نظرات خود را در خصوص تحولات و وضعیت کنونی جامعه کردستان و ایران مطرح و نقش نیروهای چپ و کمونیست در این دوره ویژه را مورد ارزیابی و بحث قرار دادند. در پایان رفیق صلاح مازوجی ضمن پاسخ به سوالات مطرح شده، بار دیگر بر اتحاد نیروهای چپ و کمونیست در کردستان و همچنین در سطح سراسری تاکید کرده و از مبارزات و تلاش پیگیر آنها برای افشاکاری و خنثی کردن فعالیت جریانات راست و ضد انقلاب، سخن به میان آورد.

گزارش کامل این مراسم در روزهای آینده در تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران و همچنین در کانال یوتیوب Peshraw Cpiran پخش خواهد شد.

شاهد بودیم که تلاشهای تشکلهای دست سازی مانند شورای مدیریت گذار و سلطنت طلبان و مضحکه دادن و کالت به پهلوی و همین دیروز کنفرانس جرج تاون واشنگتن با حضور رضا پهلوی، مسیح علیزاد، عبدالله مهدی و دیگران سریعاً با شکست مواجه شدند. چنین اقداماتی بعضی احزاب و جریانات ناسیونالیست کردستان را هم شامل می شود که بدون توجه به وجود گرایشات موجود در جامعه، می خواهند تشکل هایی را برای معامله سرهم بندی کنند.

رفقا! رمز موفقیت کومه له در اینکه در فاصله کوتاهی پس از قیام ۵۷ از چند محفل انقلابی روشن فکر به یک نیروی وسیع اجتماعی تبدیل شد در این بود که توانست به موقع به خواست و مطالبات مردم مبارز و مشکلات پیشروی جامعه پاسخ در خور بدهد و راه حل داشته باشد. بعنوان نمونه کادرهای کومه له در جریان قیام شرکت فعال و مؤثر داشتند و فداکاری کردند؛ در اختلاف میان کارگران کوره پزخانه ها با صاحب سرمایه دارشان، کومه له از کارگران حمایت کرد و برای این حمایت هزینه نیز داد؛ در جریان توطئه فئودالهای که با حمایت رژیم اسلامی برای بازپس گیری زمینها مسلح شده بودند، کومه له از کشاورزان حمایت کرد و به مطالبه کارگرانی که رو زمین ملاکین کارمی کردند با طرح تقسیم زمینها در میانشان به مطالبه آنان پاسخ درست داد و در مقابل فئودالها نیز با تشکیل اتحادیه کشاورزان آنان را مسلح کرد تا از منافع خود دفاع نمایند؛ رفراندم کذایی "جمهوری نئوسلامی آری یا نه"، را بایکوت کرد و برای مردم توضیح داد که حکومت اسلامی نمیتواند دمکرات باشد، آزادی، رفاه و امنیت را تأمین کن؛ در مقابل اشغال میروان توسط پاسداران، کوچ تاریخی مردم به خارج شهر و راهپیمایی مردم شهرهای دیگر بسوی میروان در حمایت از مردم را سازمان داد؛ در مقابل فرمان جهاد خمینی علیه مردم کردستان، جسورانه ایستاد و قرار مقاومت صادر کرد؛ در مذاکرات ریاکارانه رژیم با مردم کردستان شرکت نمود و با انتشار جزوه (ما و مذاکرات) و صدور اطلاعیه ها مردم را در جریان جزئیات آن باصطلاح مذاکرات قرار می داد. اینک نیز فعالین کومه له و دیگر مبارزان سوسیالیست در کردستان تنها با اتکا به نیروی کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان تحت ستم و پاسخ به مطالبات و معضلات آنان در کردستان می توانند پیشروی جنبش انقلابی و پیشروی کومه له را تیزتضمین کنند. بنابراین اکنون نیز تلاش برای گسترش اعتراضات انقلابی کنونی و تلاش برای توده های شدن و تقویت پیوند با جنبش سراسری بعنوان ممکن ترین راه دستیابی به مطالبات مردم کردستان، یکی از وظایف اصلی و از اولویتهای فعالین کومه له است.

در رابطه با راه حل رفع ستم ملی نیز خیلی خلاصه بگویم، ما بارها تأکید کرده ایم که از نظر ما به رسمیت شناختن و به اجرا درآوردن حق تعیین سرنوشت مردم کردستان تا مرز جدایی و تشکیل دولت مستقل، تنها راه واقع بینانه برای حل این معضل اجتماعی دیرینه در کردستان است. شرط اجرای آن نیز وجود فضایی آزاد است که در آن مردم کردستان بدون نگرانی از عواقب رأی دادن بتوانند از این حق استفاده کنند. اینکه در چنین فضایی مردم تصمیم می گیرند به چه شکلی از این حق استفاده کنند، مربوط به خود آنان است. از نظر ما پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به شرط استقرار یک حاکمیت شورایی حقیقی که بتواند عملاً تمام حقوق دمکراتیک مردم کردستان و برابری کامل را تأمین کند، میتواند راه حل واقع بینانه برای حل ستم ملی باشد. بنابراین وجود یک استراتژی و افق سراسری و همراهی مردم کردستان با کارگران و مبارزان انقلابی و سوسیالیست سراسر ایران، سهل ترین راه حل برای رفع ستم ملی است. شاد و سربلند باشید.

۱۱ فوریه ۲۰۲۳

## ترجمه خطوط اصلی سخنرانی صلاح مازوجی به مناسبت روز کومه له در شهر کلن آلمان

اشکال مختلف ادامه دارد و استمرار خودش را حفظ کرده است. رژیم نه تنها نتوانسته با سرکوب و کشتار توده های مردم را مرعوب کند، بلکه در همه جا ترس جای خود را به مقاومت و تعرض متقابل داده و تحول عظیمی در هوشیاری سیاسی و آگاهی توده های مردم به وجود آمده است. این مجموعه فاکتور توازن قوا را به زیان رژیم جمهوری اسلامی و به سود جنبش انقلابی جاری عمیقاً تغییر داده است. در اینجا سؤال این است که نیازهای این دوره، نیازهای جنبش انقلابی جاری کدام ها هستند و کومه له و ما همگی کمونیست ها چگونه می توانیم به این نیازها پاسخ بدهیم و این جنبش را به جلو سوق دهیم. کومه له یک بار دیگر در برابر یک آزمون تاریخی قرار گرفته است و باید به نیازهای این دوره پاسخ بدهد.

یکی از نیازهای این دوره و جنبش انقلابی جاری این است که چشم انداز، افق و استراتژی روشنی را پیش روی آن قرار داد و این چشم انداز روشن لازم است در شعارها و مطالبات توده های به پا خاسته مردم انعکاس پیدا کند. چون هدف این جنبش انقلابی فقط سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. مردم علیه فقر و فلاکت اقتصادی، علیه نابرابری، علیه مصائب، محرومیت ها و تبعیض هایی پا به میدان اعتراض و مبارزه گذاشته اند که ریشه در مناسبات سرمایه داری ایران دارند. به این اعتبار این جنبش نه فقط برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه ضد سرمایه داری هم هست. مردم به حق به امکانات نهفته در ایران برای تحقق و برپائی جامعه ای آزاد، برابر و مرفه چشم دوخته اند. بنابراین هدف این جنبش فقط سلبی نیست، بلکه ماهیتاً ایجابی است. برای توده های مردم مهم است که تصویر روشنی از ساختار سیاسی و حکومتی که جایگزین رژیم جمهوری اسلامی می شود داشته باشند. از اینرو شعار "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور" و حتی شعار "زن، زندگی آزادی" به تنهایی هدف این جنبش را بیان نمی کنند و چشم انداز روشنی را پیش پای این جنبش قرار نمی دهند. شعار زن زندگی آزادی اگر چه یک شعار ترقی خواهانه است، اما مهمترین مسئله این جنبش که سرنوشت قدرت سیاسی است را بی پاسخ می گذارد. بنابراین باید افق سوسیالیستی، افق حکومت شورایی را در برابر این جنبش قرار داد. باید سعی کرد شعارهایی از نوع "آزادی، برابری، اداره شورایی" که از جانب خود توده ها در این جنبش انقلابی طرح شده اند را با کمپین های

کومه له در روزهای بعد از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ و در دل یک شرایط انقلابی است. کومه له در آن مقطع جریانی رادیکال و انقلابی با دامنه محدود تشکیلاتی بود. اما باید بدانیم رمز این که کومه له از یک جریان با دامنه محدود تشکیلاتی به یک جریان اجتماعی تبدیل شد و همراه خود کمونیسم را هم به یک جریان اجتماعی در کردستان تبدیل کرد چه بود؟ کومه له صرفاً از راه ترویج عقاید ایدئولوژیک خود، و از راه خشت رو خشت گذاشتن و دانه دانه کمونیست کردن کارگران و زحمتکشان کردستان به یک سازمان توده ای و اجتماعی تبدیل نشد، بلکه روی آوری وسیع کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی به کومه له اساساً به این دلیل بود که این بخش از جامعه کردستان در دفاع از خواسته های دموکراتیک خود و برای مقابله با سیاستها و تعرض دولت مرکزی و ارتجاع محلی همان مسیری را در پیش گرفتند که استراتژی و سیاستهای کومه له بر آن پافشاری می کرد.

اکنون کومه له بعد از ۴۳ سال فعالیت علنی بار دیگر وارد یک دوره انقلابی شده است. روشن است اوضاع کنونی در مقایسه با دوره بعد قیام ۵۷ از ویژگی های خود برخوردار است. یکی از مهمترین این ویژگی ها این است که در آن دوره ضد انقلاب اسلامی قدرت سیاسی را تصرف کرده بود و قدم به قدم موقعیت خود را تثبیت می کرد و جبهه انقلاب در همه عرصه ها در حال عقب نشینی بود و فقط در کردستان پرچم یک مقاومت سازمانیافته برافراشته شده بود. اما اکنون این رژیم جمهوری اسلامی است که به دلیل بحران های تو در تو و زیر فشار جنبش انقلابی توده ها روند فروپاشی را آغاز کرده و در حال عقب نشینی است.

اکنون کومه له در توازن قوایی پا به دوره انقلابی نهاده که رژیم اسلامی به لحاظ اقتصادی در معرض خطر فروپاشی قرار گرفته است، در سطح جهانی و منطقه ای بیش از هر زمان دیگری منزوی شده است. اگر رژیم اسلامی در آخرین نمایش های انتخاباتی مجلس و ریاست جمهوری با یکدست کردن نهادهای سه گانه قدرت تا حدودی صفوف خود را یکدست و برای مقابله با خیزش های احتمالی آماده کرده بود، اما زیر فشار جنبش انقلابی جاری دوباره انسجام خودش را از دست داده و با بحران حکومتی روبرو شده است. در مقابل، جنبش انقلابی جاری اگر چه از اعتراض های هر روزه خیابانی و جنگ و گریزهای پرتلفات یکی دو ماهه اول فاصله گرفته است، اما به



حضار گرامی، دوستان و رفقای عزیز ابتدا از جانب خود و رفقای کمیته مرکزی کومه له حضور شما در روز کومه له را خوش آمد می گویم. روز کومه له روز گرامیداشت رفیق محمد حسین کریمی یکی از بنیانگذاران کومه له و بیش از دو هزار پانصد رزمنده کمونیست است که در عرصه های مختلف مبارزه کومه له و حزب کمونیست ایران در راه انقلاب کارگری و رهایی انسان استعمار شده جان باختند. روز کومه له امسال در همانحال روز گرامیداشت یاد رفیق عزیز عیسی جمشیدی یکی از کادرها و رهبران قدیمی حزب کمونیست ایران و کومه له و از چهره های محبوب کارگران و مردم زحمتکش کردستان است که متأسفانه دو هفته پیش زندگی را به وداع گفت. کومه له با تکیه بر فعالیت ها و از جان گذشتگی های رفیق عیسی و رفقای همچون وی به یک جریان اجتماعی تبدیل شد و در کردستان ریشه دواند.

امسال روز کومه له را در شرایطی برگزار می کنیم که یک جنبش عظیم انقلابی در کردستان و ایران در جریان است. مناسبت دارد که در این روز یاد زینا امینی و همه زنان و مردان آزادیخواه را که طی پنج ماه گذشته در میدان مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی جان باختند را گرامی بداریم. یاد آن مادران و پدرانی را گرامی بداریم که بر مزار عزیزانشان با بردباری و روحیه رزمنده خود درس مقاومت و استقامت را به ما دادند.

روز کومه له در همانحال فرصتی است برای تجدید پیمان با سیاست و استراتژی سوسیالیستی کومه له در جنبش انقلابی کردستان، بنابراین بی مناسبت نیست که در این روز روی مقطعی از تاریخ کومه له مکث کنیم و بدانیم که تجربه این مقطع از تاریخ کومه له برای شناخت وظایف ما در این دوره چه درس هایی در بر دارد. این مقطع، زمان اعلام موجودیت علنی تشکیلات



سیاسی - تبلیغی هر چه توده ای تر کرد. باید تبیین خودمان را از این شعارها به میان توده ها ببریم. آزادی فقط به معنای آزادی از قید و بند یک رژیم مذهبی نیست، بلکه به معنای آزادی از قید و بند مناسبات سرمایه داری هم هست، برابری فقط به معنای برابری حقوقی و برابری در مقابل قانون نیست بلکه منظور برابری اقتصادی و برابری در دسترسی به همه آن امکاناتی است که موجبات رشد و شکوفائی استعداد انسان ها را فراهم می آورد. باید این درک از آزادی و برابری را به میان توده ها ببریم. از همین زاویه باید پیگیرانه و بطور تعطیل ناپذیر مواضع و استراتژی سیاسی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای به شکست کشاندن این جنبش را برای مردم روشن کرد. باید تناقض برنامه های اقتصادی آنان که همان سرمایه داری مبتنی بر الگوی بازار آزاد و نئولیبرالیسم با مدیریت غیر اسلامی است را با پلاتفرم های مطالباتی آنها و وعده هایی که به مردم می دهند را آشکارا نشان داد. آنها که بدیل شان سرمایه داری با مدیریت غیر اسلامی است نمی توانند وعده رفاه به مردم بدهند. سرمایه داری با مدیریت غیر اسلامی هم یک حکومت استبدادی است.

باید ماهیت تلاش احزاب ناسیونالیست کردستان برای همگرایی و هم پیمانی با اپوزیسیون بورژوازی طرفدار غرب ایران و سلطنت طلبان برای به بیراهه بردن و شکست جنبش انقلابی مردم در کردستان و ایران را برای مردم روشن کرد. اینها در شرایطی برای هم پیمانی با اپوزیسیون بورژوازی ایران از هم سبقت می گیرند که قسم بزرگ همه بخش های اپوزیسیون بورژوازی و ناسیونالیست ایرانی تأکید بر تمامیت ارضی ایران است. در حالی که تأکید بر تمامیت ارضی ایران اسم رمز ضدیت با حق تعیین سرنوشت مردم کردستان است. به معنای آن است که هر مبارزه ای برای رفع ستم ملی را تحت عنوان مخالفت با تجزیه طلبی سرکوب کنند. هم پیمانی عبدالله مهدی با رضا پهلوی به عنوان نماینده کهنه ساواکی ها هیچ ربطی به منافع مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان ندارد. این هم پیمانی ها نشان می دهد که ادعای احزاب و جریان های ناسیونالیست مبنی بر مبارزه برای رفع ستم ملی صادقانه نیست، اینها فقط برای گرفتن سهم خود از قدرت سیاسی در آینده وارد این بند بست ها می شوند. فعالین کومه له در محل نیز باید ماهیت این نوع تلاش ها را برای مردم روشن کنند.

یکی دیگر از ملزومات و نیازهای جنبش انقلابی جاری تلاش برای توده ای تر کردن

آن است. در این تردیدی نیست که این جنبش انقلابی از حمایت میلیونی مردم ایران برخوردار است. اینکه دختران و پسران جوان در خیابان ها با دست خالی در مقابل ستون نیروهای تاندان مسلح رژیم ایستادگی می کنند و تعرض نیروهای سرکوبگر را با تعرض متقابل پاسخ می گویند به لحاظ روانشناسی اجتماعی فقط با این توضیح داده می شود که ایستادگی این زنان و مردان جوان از مقبولیت اجتماعی برخوردار است و در این نبرد نابرابر روحیه میلیون ها انسان معترض را در وجود خود نمایندگی می کنند. با این وصف توده های مردم در ابعاد میلیونی به این جنبش انقلابی نپیوسته اند، و این هنوز از نقطه ضعف های این جنبش جاری به شمار می آید. درست است یک انقلاب را یک اقلیت مصمم و انقلابی می تواند آغاز کند، اما فقط با نیروی این اقلیت به پیروزی نمی رسد. بنابراین باید راه مشارکت فعال برای توده های میلیونی که ظرفیت و آمادگی جنگ و گریز هر روزه خیابانی را ندارند پیدا کنیم. باید به رفع موانع ذهنی توده های مردم جهت پیوستن به جنبش جاری کمک کنیم. اگر توده های مردم از آینده جنبش و سوره ای شدن ایران نگران هستند باید به آنها یادآور شویم که در سوره و لیبی تنها زمانی که در نتیجه یک مبارزه مسلحانه زودرس بنا به نقشه بالایی ها به حاشیه مبارزه رانده شدند، این کشورها به دام جنگ داخلی و نیابتی افتادند. بنابراین تنها حضور مردم در صحنه سیاسی است که می تواند تضمین کند که ایران سرنوشت سوره و لیبی را پیدا نمی کند. لازم است شبکه جوانان در محلات ظرفیت های سازمانگرا خود را در به میدان آوردن توده های مردم به صحنه مبارزه نشان بدهند.

یکی دیگر از ملزومات پیشروی این جنبش انقلابی تقویت عنصر سازماندهی است. تردیدی نیست که در این جنبش عنصر سازماندهی وجود دارد. همین شبکه جوانان انقلابی در محلات شهرهای مختلف، نهادها و تشکل های دانشجویی که در همین دوره گسترش یافته اند، معلمان با تکیه بر سازمان سراسری که داشتند چند اعتصاب سراسری را سازمان دادند، شبکه های محافل کارگری و کمیته های اعتصاب که در جنبش کارگری همه نشان از وجود درجه ای از سازماندهی و کار متشکل را نشان می دهند. باید تلاش کرد در دل این جنبش عنصر سازمانیابی را تقویت کرد. روشن است که این سطح از تشکل و سازمانیابی موجود با نیازهای این جنبش عظیم خوانایی ندارد. اما زمینه برای تقویت امر سازمانیابی در این جنبش انقلابی وجود دارد. برای نمونه همین شبکه های به

هم مرتبط جوانان انقلابی در محلات که در شهرهای مختلف ابتکار عمل سازماندهی اعتراضات را بر عهده داشته اند، می توانند سنگ بنای تشکیل کمیته های محلات و در گام های بعدی شورای محلات باشند، این کمیته ها در شرایط کنونی می توانند نقش مؤثری در سازماندهی اعتراضات را بر عهده بگیرند. در مدارس، دانش آموزان که یک پای اعتراض ها در این دوره بوده اند می توانند به تکیه با تجارب سازمانیابی معلمان دست اندرکار ایجاد کانون ها و شوراهای دانش آموزی شوند. اکنون بیش از گذشته زمینه برای ایجاد تشکل های توده ای زنان فراهم آمده است. جنبش کارگری ایران نیز طی سالهای اخیر هزاران اعتصاب و اعتراض کوچک و بزرگ را تجربه کرده است. این تجربه ها به ما نشان می دهند که ماتریال انسانی و کادرهای سازمانده که با ایده شورایی و ایده دخالت دادن مستقیم کارگران در تصمیم گیرها پرورده شده اند در جنبش کارگری ایران موجود هستند. بنابراین زمینه های مناسب برای ایجاد شوراهای دیگر تشکل های کارگری مهیا شده است.

از دیگر ملزومات پیشروی جنبش انقلابی جاری کمک به شکل گیری رهبری سراسری است. تردیدی نیست که عنصر رهبری در این جنبش وجود دارد. این جنبش بر خلاف ادعای جریان های اپوزیسیون راست رهبر دارد، رهبرانی که به رغم جوان بودنشان در طی پنج سال گذشته خیزش دی ماه ۹۶، خیزش آبان ۹۸ خیزش های توده ای در اصفهان و خوزستان علیه کم آبی، تأثیرات اعتصابات کارگری بر فضای سیاسی جامعه و ده ها اعتراض بزرگ و کوچک را تجربه کرده اند و از آنها آموخته اند. البته این سطح از رهبری را نباید ایده آلیزه کرد، اینکه این جنبش بجای رهبری احزاب، یا رهبری تشکلهای توده ای کارگران به این سطح از رهبری قناعت کرده، محصول بیش از چهار دهه سرکوب احزاب و ممانعت از ایجاد تشکل های کارگری و هر گونه تشکلی است. اما این رهبری را باید به رسمیت شناخت. روشن است که رهبری فعلی جنبش عمدتاً خصلت محلی دارد و پاسخگوی نیاز یک جنبش سراسری نیست. با اینحال به هم مرتبط شدن و به هم پیوستن این رهبران محلی می تواند گامی در راستای شکل گیری رهبری سراسری باشد. همین اقدام اخیر و به هم مرتبط شدن مجموعه ای از تشکل های کارگری، معلمان، دانشجویی و توافق بر سر مفاد مطالبات جنبش های پیشرو اجتماعی و انتشار منشور مطالبات حداقلی گامی است در راستای شکل دادن به رهبری سراسری. چپ ها و کمونیست های





متحزب لازم است به این روندها کمک کنند. در مسیر تلاش برای پاسخگویی به نیازهای این جنبش انقلابی می توان به این رهبران تلافی پیدا کرد. احزاب و سازمانهای موجود در جنبش کمونیستی ایران ضروری است با این شبکه رهبران محلی به هم برسند. شکل گیری آلترناتیو رادیکال و سوسیالیستی متکی بر یک پایه اجتماعی نیرومند از این مسیر می گذرد. در بخش پایانی سخن نام می خواهیم به دور رویداد مهم سیاسی مختصرا اشاره ای داشته باشیم. یکی ایجاد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان است. هرچند برپائی کنفرانسی که منجر به تأسیس این شورای همکاری شد از کمبود و نارسایی هایی رنج می برد، با اینحال تشکیل این شورا و آغاز این همکاری ها رویداد سیاسی مهمی در صحنه سیاسی کردستان است. بدیهی است که این شورا در ادامه فعالیت هایش لازم است خود را گسترش دهد به نحوی که همه نیروهای چپ و کمونیست در کردستان را در بر گیرد. این شورا در زمینه ساختار سازمانی هم لازم است فرمی به خود بگیرد که بتواند ظرفیت و توانائی همه نیروهایی که به دور خود گرد آورده را بنحو کارا در راه پیشبرد اهداف خود بکار گیرد. اما مهم تر از همه اینها لازم است همکاری های نیروها و فعالین چپ و کمونیست در داخل شهرهای و روستاهای کردستان پایه ریزی شود و فعالین سیاسی چپ و کمونیست در داخل به رغم گرایش سیاسی متفاوت بتوانند دست در دست هم پروژه کار مشترک برای تبدیل گفتمان حکومت شورایی را به یک گفتمان نیرومند در جامعه و پروژه های کمک به ایجاد تشکل های توده ای کارگران و زنان و ... را پیش ببرند. رویداد دیگر انتشار منشور مطالباتی که از جانب تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی در داخل ایران است. می خواهیم بار دیگر بر اهمیت انتشار این منشور تأکید کنیم. انتشار این منشور گامی مهم و ارزنده در راستای گستراندن افق روشن در پیش روی جنبش انقلابی سراسری و گامی در راستای شکل گیری رهبری سراسری و پاسخی کوبنده به بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران است که می خواهند از بالای سر مردم و با کمک قدرتهای امپریالیستی پروژه های آلترناتیوسازی خود را پیش ببرند. کومه له و حزب کمونیست ایران از همه نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و نهادهای و نیروهای ترقی خواه، از همه نهادهای و فعالین جنبش های پیشرو اجتماعی و از جوانان انقلابی محلات در شهرهای مختلف ایران می خواهد که از این منشور مطالبات حداقلی پشتیبانی کنند. در اینجا سخنمان را به پایان می رسانم، شاد و موفق باشید.



## پیام های رسیده نیروهای سیاسی به مناسبت روز کومه له

### پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان

فقط تأیید و تثبیت آن در این جنبش و در این دوره است. آن زمان که رژیم اسلامی توانسته بود بر تمام ایران مسلط شود، کردستان تنها سنگر مقاومت و ادامه انقلاب در سالهای ابتدای انقلاب ۵۷ بود. مقاومت امروز مردم کردستان ادامه آن جنبش و دستاورد مهم تاریخی است که کومه له و رهبران آن دوره جنبش کمونیستی در کردستان نقش بارزی در آن ایفا کردند.

سنت مبارزاتی و انقلابی کومه له که بخش مهمی از تاریخ مردم کردستان را شکل میدهد را شما یک بار دیگر در همین یک سال قبل بکار گرفتید و یک قدم مهم در پاسداشت آن تاریخ و سنت بجلو برداشتید. سنتی که در اوایل دهه شصت با عث شد کومه له همراه اتحاد مبارزان کمونیست در یک دوره تاریخی مهم که دوره شکست انقلاب و عقب نشینی مبارزین ایران بود، دست به یک اقدام تاریخی زدند و حزب کمونیست را بنیان نهادند. بنابر این آن سنت مبارزاتی و تاریخ مبارزه طبقاتی ریشه های محکمی در کردستان دارد و ما امیدواریم شما نمایندگان خوبی برای ادامه آن تاریخ باشید.

همه این نکات را یادآوری کردیم که به وظایف مهم این دوره پیش رو بپردازیم. ما اکنون در دوره ای حساس قرار داریم که دو بخش بورژوازی خارج و داخل ایران به کمک نیروها و اشخاص جریانات راست و ناسیونالیستهای عظیمت طلب ایرانی میخواهند به هم وصل بشوند و انقلاب پیش رو را ناکام بگذارند. آنها میخواهند نتیجه مبارزه و فداکارهای جامعه را به دست بدست شدن قدرت محدود کنند.

پیام موسوی و استقبال جریانات راست سلطنت طلب و جمهوری خواه از آن فقط پیش درآمد این میثاق ضد انقلابی است. اگر تلاش همگرایی جریانات راست ایرانی و همراهی جریانات ناسیونالیست کردستان با آنها یک گوشه از واقعیت سیاسی ایران و کردستان است در مقابل وجود یک جنبش چپ و آزادیخواهی و جریانات کمونیست متشکل و فعالین چپ غیر متحزب هم بخش دیگر آن است. از نظر ما چپ ایران و کردستان امروز جنبشی قوی است که توان و پتانسیل پیروزی آن امری ممکن و قابل دسترس است. بنابر این لازم و



به کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران رفقای عزیز به مناسبت روز کومه له همه شما اعضا، کادرها و رهبری کومه له و همه دوستداران این سازمان تبریک میگوییم. سازمان شما تاریخ درخشانی از فداکاری و نقش سیاسی تعیین کننده بویژه در ابتدای انقلاب ۵۷ پشت سر دارد. این تاریخ درخشان با فداکاری و روشن بینی و جسارت در تصمیم گیری سیاسی بویژه از سال ۵۷ خودنمایی کرد و چنان برجسته شد که توجه همه دوستان و آزادیخواهان را به خود جلب کرد و همزمان لرزه بر اندام سرکوبگران و دشمنان مردم انداخت.

در شرایطی که بخش بزرگی از جامعه ایران و نیروهای سیاسی آن توهم زیادی به نقش خمینی و جمهوری اسلامی پیدا کرده بودند، کومه له با نقش بی نظیر رهبری مانند صدیق کمانگر در اوج درخشندگی خود را در آن زمان تجربه کرد.

از همان روزهای اول سرنگونی سلطنت و قدرتگیری اسلامیه در ایران، رفیق صدیق کمانگر افق را گشود که کومه له بعدا در آن جهت قدم نهاد و رفیق صدیق به مهمترین و شناخته شده ترین شخصیت آن دوره تبدیل شد. چنانچه در تهران و شهرهای بزرگ ایران کمونیستها در دفاع از نقش و سیاست این کمونیست برجسته زنده باد صدیق کمانگر و اسلامیها علیه او شعار سر میدادند. این سیاستی که رفیق صدیق کمانگر مبتکر آن بود، تفاوت عمیق دو جنبش کمونیستی و بورژوا - اسلامی را بیش از همیشه برجسته کرد.

ادامه این سیاست قاطع در مقابل خمینی معنی عملیش این بود که در ابعاد محلی جریان اسلامی مفتی زاده را به چالش طلبید و شکست داد. کومه له علاوه بر جنگ با جمهوری اسلامی در مقابل جریانات اسلامی و مرتجع محلی و همه ملاکین و زورگویان، یار و یاور مردم کردستان بود. این تاریخ درخشان اکنون بیش از همیشه مایه افتخار و سربلندی فعالین و رهبران آن محسوب میشود. اکنون که مردم ایران شعار سر میدهند "کردستان چشم چراغ ایران". بارانی در آسمان بی ابر نیست.

این "چشم و چراغ ایران" امر تازه ای نیست.



➔ ضروری است که جریانات متشکل چپ و همه افراد غیر متشکل چپ و کمونیست در زیر یک چتر واحد در کنار هم قرار بگیرند و حول یک پلتفرم انقلابی فعالیت خود را هماهنگ کنند. از این طریق میتوان آلترناتیو چپ و آزادیخواهی را بیش از همیشه برجسته و برای مردم قابل انتخاب بکنند. ما امیدواریم شما در این راستا به وظیفه خود بیش از پیش بپردازید.

**زنده باد اتحاد مبارزاتی مردم**

**زنده باد آزادی برابری حکومت شورایی**  
**زنده باد سوسیالیسم.**

## پیام حزب کمونیست کارگر

### کمونیست

حضار گرامی، رفقای حزب کمونیست ایران و کومه له!

روز کومه له را صمیمانه تبریک میگوییم. بگذارید در همین آغاز سخن یاد عزیز کمونیست استوار، فرمانده جسور و کاردان رفیق عیسی جمشیدی و همه جانبختگان راه آزادی و برابری را گرامی بداریم. رفقا!

روز کومه له امسال را در اوضاع حساس سیاسی، در یک دوره انقلابی و پشت سرگذاشتن پنج ماه از خیزش انقلابی پرشور کارگران و زنان و جوانان وتوده مردم ایران برگزار میکنید. این شرایط توقعات و انتظارات مهمی را در مقابل جریانات چپ و کمونیست و حزب کمونیست ایران و کومه له قرار میدهد.

جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی به مقطع تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی رسیده است. در این کشمکش صف بندی راست و چپ بیش از پیش پولاریزه شده و سؤال گرهی اینست کدام آلترناتیو راست یا چپ رهبری پروسه سرنگونی و ساختن آینده بعد از نظام مخوف جمهوری اسلامی را به دست میگیرد. از این منظر هر جریان و نیروی چپ و کمونیست واقعی با وظایف خطیری روبرو است.

در این جدال به نظر ما فرصت تاریخی برای ایفای نقش طبقه کارگر و کمونیستهای متشکل و متحزب فراهم است. بر این اساس انتظار ما اینست که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومه له به عنوان یک نیروی اجتماعی چپ و سوسیالیست متکی به تجارب غنی مبارزه انقلابی در کردستان نقش شایسته خود

را در قدرتمند کردن آلترناتیو چپ و کمونیستی ایفا کند.

در جامعه کردستان جدالهای طبقاتی و تحولات سیاسی مهمی در جریان است. احزاب بورژوایی فدرالیست در تقابل با حقوق پایه ای کارگران و مردم و در مخالفت با راه حل کارساز حل مسئله کرد و برچیده شدن ستم ملی و دیگر تبعیضات، آشکارا همگام و همدست جریانات ناسیول شوونیست ایران هستند و آماده هر نوع توطئه گری علیه کارگران و آزادیخواهان و کمونیستها میباشند. در این اوضاع ایجاد قطب محکم نیروی چپ در مقابل جریانات بورژوا ناسیونالیست و تقویت آلترناتیو کمونیستی و

## پیام تبریک سازمان راه کارگر

به کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست ایران به مناسبت سالروز اعلام موجودیت کومه له

رفقای گرامی کومه له

سالگرد روز کومه له را صمیمانه به شما تبریک می گوئیم و یاد عزیز پیشمرگان و رزمندگان جان بر کف کومه له که در راه با شکوه آزادی، برابری و سوسیالیسم بخاک و خون در غلطیدند را گرامی میداریم. گرامیداشت این روز عزیز در شرایطی برگزار میشود که مردمان ایران، اردوی عظیم کار و زحمت بیش از پنج ماه است که انقلاب نوین مردمان ایران را آغاز کرده اند، آن هم بادستان خالی در برابر حکومت فاشیست تا دندان مسلخ و سرکوب گر! انقلابی که در پی قتل عمد دولتی مهسا امینی، و بامحوریت شعار ژن ژیان نازادی آغاز شده و همچنان با افت و خیز ادامه دارد و تا کنون بیش از ششصد جان شیفته - عموما نو جوان و جوان - با شقاوت بی حد و حصر توسط رژیم فاشیست حاکمیت اسلامی به خاک افتاده اند، همچنین رژیم انسان ستیز بیش از بیست هزار نفر را بازداشت یا ربوده است که اکثریت آنان در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند. انقلابی که در همان چند روز اولیه بسیار شتابان مرزها را در نوردید و خود را در دل و ذهن بیشمار مردمان جهان، بخصوص زنان و جوانان قرار داد و مشغله خود رامشغله آنان کرد.

کومه له که از همان آغاز با مشی کمونیستی به فعالیت و مبارزه علیه حاکمیت سرمایه داری کمر بست، و با جانفشانیهایی که بخرچ داد الحق تاثیر بسزایی در ایجاد فضای سرخ وتوفنده انقلاب در کردستان داشته و دارد. بیهوده نبوده و نیست که دیگر مردمان بلاکشیده

کارگری در کردستان وظیفه عاجل نیروها و فعالین کمونیست و به طور ویژه وظیفه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له و تشکیلات کردستان حزب حکمتیست است. در این راستا ما بر ادامه همکاری و نزدیکی موثرتر با کومه له تاکید میکنیم. به علاوه گسترش و تقویت فعالیت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان را وظیفه مهم خود میدانیم.

**باردیگر روز کومه له را تبریک میگوییم**

**و به امید موفقیت تان!**

۲۲ بهمن ۱۴۰۱ / ۱۱ فوریه ۲۰۲۳

ایران، کردستان را چشم و چراغ ایران می دانند. آری این چنین بود که کومه له به قطب چپ جامعه کردستان تبدیل شد و در تمامی این دوران بعنوان یک سازمان چپ و انقلابی از پیشگامان مبارزه علیه استبداد، استثمار، تبعیض و ستم بوده و است.

رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی که از دل انقلاب شکست خورده پنجاه و هفت سر بر آورده بود؛ از همان آغاز با "نه" بزرگ مردم کردستان در نفی حکومت اسلامی روبرو شده بود برای آنکه این مقاومت انقلابی به سرتاسر ایران گسترش پیدا نکند؛ با تمام قوای برای شکستن مقاومت کردستان یورش برد، و در این راه از هیچ توطئه و نیرنگی کوتاهی نکرد. رزمندگان کومه له مادر مقابله با هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به دستاوردهای انقلابی مردم کردستان، مبارزه جانانه ای را در سطوح گوناگون سازماندهی کرد و همراه و همگام و در کنار مردم با ایجاد نهادها و ارگانهای خود حکومتی و اداره دموکراتیک و مردمی شهر و روستاهای کردستان از طریق شوراها، نهادها و نمایندگان منتخب مردم نمونه ای درخشان از قدرت گیری توده ای از پائین را نشان داد. در این راه هزاران زن و مرد مبارز در صفوف پیشمرگان، در زندانها و شکنجه ها، در بمباران ها جان عزیزشان را از دست دادند.

با گذشت بیش از ۴۳ سال از حاکمیت جمهوری جنایت اسلامی و با پشت سر گذاشتن دو قیام با شکوه دی ۹۶ و آبان ۹۸ و انقلاب نوین جاری شاهد تعیین تکلیف نهایی مردمان ایران با رژیم فاشیست حاکم هستیم. جامعه ایران که مسمم به نهایی کردن این تصمیم است وارد شرایط کامل قطبی شدن سیاسی شده است. جنگ گفتمانها شدت پیدا کرده، جنگ

گفتمان چپ و کمونیست با انواع

اعضا و پیشمرگان کومه له در تداوم و تقویت سنت های کمونیستی پایه گذاران آن، بتوانند بنا به شرایط سرنوشت ساز کنونی با مسئولیتی افزون بر گذشته و با پیمان عمیقتر رفاقت و مبارزه متحدانه و مشترک با دیگر نیروهای چپ و کمونیست برای آزادی و سوسیالیسم، برای رفع هر گونه ستم، تبعیض و استثمار را تحکیم بخشیده و برای ادامه همکاری و همزیستی راه حل های مناسبی پیدا کنند.

رفقای عزیز  
بار دیگر ۲۶ بهمن روز کومه له را به کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست ایران، فعالان، اعضا، پیشمرگان و دوستان شاد باش میگوییم. یاد همه جانبختگان کومه له و همه مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی میداریم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری و مذهبی**

**جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**

**پردوام و پیروزی انقلاب نوین جاری**

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

۰۴ فوریه ۲۰۲۳

سلطنت طلبان و امپریالیست ها می کوشند با مصادره انقلاب و مخدوش کردن مطالبات نیروی کار و زحمت - چون انقلاب پنجاه و هفت - تنها جایجایی قدرت سیاسی در بالا را ممکن کنند و کلیت نظام سرمایه داری را حفظ نمایند، وظیفه ما کمونیست ها بیش از گذشته سنگین تر است.

و این وظیفه سترگ تداوم انقلاب و ممانعت از مصادره انقلاب توسط ضد انقلاب را نمی توان بصورت پراکنده و جدا جدا به پیش برد ضرورت همبستگی همه بخشهای طبقه کارگر و مزد بگیر با هویت های گوناگون و، خود سازمان یابی اکثریت عظیم به رهبری طبقه در ساختاری بر پایه دموکراسی شورایی و همکاری و همبستگی همه جریانات چپ، کارگری و کمونیستی در کنار و همگام کارگران و زحمت کشان سراسر ایران به امری فوری، حیاتی تبدیل شده است. بدون اتحاد رزمنده نیروهای چپ و کمونیست و بدون خود سازمانیانی طبقه کارگر و اردوی رنج و کار، پیروزی انقلاب پیش رو نا محتمل است.

رفقای عزیز

در سالگرد روز کومه له امیدواریم که فعالان،

گفتمان های راست و ارتجاعی. در پی اوج گیری اعتراضات و تظاهرات به پیشگامی زنان و جوانان شجاع و حق طلب، کارگران، معلمان، بازنشستگان، و ملیت های تحت ستم و اکثریت مرممان به تنگ آمده از بیداد حکومت دینی سرمایه داری، کلیت نظام دین سالار و سیستم سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده و برای سرنگونی کلیت نظام آماده می شود.

استبداد و ستم طبقاتی و اجتماعی و مدنی، استثمار و حشیا، گسترش روز افزون فقر و خانه خرابی، گرانی، شکاف فاحش طبقاتی، فساد و غارت گسترده حکومتیان، اقتصاد ورشکسته، سرکوب و حشیا و... خصلت نمای جامعه متلاطم سراسر ایران است و رژیم که عاجز از هرگونه رفرم سیاسی و به ویژه اقتصادی است قادر به مهار و عقب راندن خیزش انقلابی مردمان نیست، جز سرکوب لجام گسیخته هیچ راه حل دیگری ندارد. جامعه ما در تند پیچ اساسی و در آستانه تحولی بزرگ و نهایی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، اردوی رنگارنگ راست و ارتجاعی، مجاهدین و جمهوری خواهان لیبرال؛ به ویژه

## پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

که تاکنون صورت گرفته است، گامی ارزنده در راستای پاسخگویی به اهداف انقلابی طبقه کارگر در مسیر سراسری شدن این جنبش باشد. ضرورتی که اکنون بیش از هر زمان دیگری احساس می شود و لازم است مجموعه احزاب، سازمان ها و نیروهای چپ و کمونیست با درک این ضرورت تاریخی گام های عملی محکم تری جهت غلبه بر پراکندگی جنبش کمونیستی ایران در داخل و خارج بردارند.

**با تشکر از دعوتتان و آرزوی پیروزی برایتان!**

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۱ فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

که صدای کارگران، زنان ستمدیده و دهقانان زحمتکش کردستان، پژواکی پرطنین در یادمان این روز پیدا کرده است. صدایی که لازم است با مبارزهای پیگیر علیه ناسیونالیسم و گسترش رزم طبقاتی به فراسوی جغرافیای کردستان انقلابی کشیده شود. صدایی که شما رفقا، با گام های محکمی که در این مسیر برداشته اید، یقیناً در پاسخگویی به این ضرورت تاریخی انعکاس خواهد یافت.

رفقای کومه له و حزب کمونیست ایران! لازم به یادآوری نیست، همکاری مشترک و رفیقانه ما و شما، همراه با دیگر نیروهای چپ و کمونیست در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" می تواند به سهم تلاشی

پیام به حزب کمونیست ایران به مناسبت گرامی داشت ۲۶ بهمن، روز کومه له رفقا! گرم ترین درود و پیام ما را به مناسبت فرارسیدن ۲۶ بهمن، روز کومه له پذیرا باشید. ۲۶ بهمن، روزی است که بخشی از نیروهای رزمنده و پیکارگر کمونیست با اراده ای مصمم جهت مبارزه با ناسیونالیسم و نظم سرمایه داری موجود در کنار هم قرار گرفتند و سازمان کومه له را بنیان نهادند. بدون شک، این روز نه فقط برای شما، که برای ما نیز روز ارج گذاشتن بر بیش از چهار دهه پیکار، رزمندگی، استقامت و فعالیت های مبارزاتی پایدار علیه هرگونه استبداد در دوران حکومت خودکامه و مستبد دو نظام پادشاهی و اسلامی است. روزی



## پیام کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

## پیام هسته اقلیت

به رفقای حزب کمونیست ایران و کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۲۶ بهمن سالروز تشکیل کومه له را شادباش میگوئیم. کومه همواره نماد مبارزه کمونیستی و دفاع از کارگران و زحمتکشانش بوده است. در جنبش انقلابی ژینا که سراسر جامعه را فرا گرفته و کردستان یکی از مراکز اصلی مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی شده است و در شرایطی که اپوزیسیون راست و ناسیونالیست تلاش دارند، اعتراضات ستم دیدگان و سرکوب شدگان را در راستای منافع خود بکار گیرند، کومه و نیروهای مدافع سوسیالیست می توانند نقش امید بخش و برجسته ای در کنار زدن جریانهای راست، گسترش مبارزه از پائین و تحقق آرمانهای سوسیالیستی در منطقه و جنبش انقلابی سراسری جامعه داشته باشد. امید است که رفقای کومه در این شرایط پرتیش بتوانند اهداف انقلابی خود را هرچه بیشتر پیش ببرند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری  
جمهوری اسلامی /  
برقرار باد جمهوری شورایی  
هسته اقلیت  
فوریه ۲۰۲۳ / بهمن ماه ۱۴۰۱



منطقه، از این جمع حمایت خواهند کرد و تمام امکانات خود را برای تحمیل آنان به مردم، به کار خواهند گرفت.

شرایط در ایران نه تنها به چهار ماه پیش و قبل از مرگ ژینا امینی بر نمی گردد، به دوران سلطنت هم بر نخواهد گشت. انقلاب مدرن "زن زندگی آزادی"، جایی برای برگشت به عقب نمی گذارد. جریانات راست و ارتجاعی سلطنت طلب به عبث فکر می کنند که بتوانند بر این انقلاب موج سواری کنند و مردم را بفریبند که به دوران ارتجاع سلطنتی برگردند و میان دو حکومت دیکتاتوری شاه و شیخ، حکومتی را که کمتر جنایت کرده است، میان بد و بدتر، بد را انتخاب کنند.

انقلاب "زن زندگی آزادی"، به پیروزی نخواهد رسید مگر با دخالت طبقه کارگر و ورود آنان به اعتصابات سراسری. طبقه کارگر بی هیچ تردیدی مهر خود را بر این انقلاب خواهد زد و در این صورت جایی در این انقلاب برای راست و ارتجاع باقی نمی ماند. نه شرایط و نه دوره تاریخی در ایران، به نفع راست و ارتجاع نیست. اما این بدان معنی نیست که کمونیست ها باید منتظر شرایط انقلابی بمانند و زمینه را برای سنگ اندازی راست و ارتجاع خالی بگذارند. باید جمع شد و برای حمایت و تقویت انقلاب و تضمین رهبری طبقه کارگر، از هم اکنون چپ کمونیست متحد شود و برای انقلاب برنامه مشترکی ارائه دهد و اقدامات و سازماندهی لازم را برای کمک به انقلاب به عنوان پشت جبهه، انجام دهیم.

وظیفه کمونیست ها و مدافعان راستین طبقه کارگر در این شرایط حساس، تبیین یک سیاست و استراتژی یک دست طبقاتی برای حمایت ذهنی و عملی از انقلاب و کمک به نبرد آتی طبقه کارگر در انقلاب ایران است. بدون این استراتژی، نیروهای راستین مدافع طبقه کارگر امکان تاثیرگذاری و انتقال تجارب خود به طبقه کارگر و انقلاب در ایران را نخواهند داشت.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)، سالروز تاسیس کومه له را به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تبریک می گوید و برای آن در ادامه مبارزاتش علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، آرزوی موفقیت می کند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)  
۲۲ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۱ فوریه ۲۰۲۳

به کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران به مناسبت سالروز تاسیس کومه له رفقا، دروهای رفیقانه و صمیمانه ما را به مناسبت سالروز تاسیس کومه له بپذیرید.

کومه له پنجاه و چهار سال پیش، توسط جمعی از مبارزان کمونیست کرد بنیانگذاری شد. هدف بنیانگذاران کومه له از تشکیل این سازمان، مبارزه برای برقراری جامعه ای سوسیالیستی در ایران بود. مبارزه برای حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان، هدف دیگری است که بنیانگذاران برای کومه له تعیین کرده اند.

کومه له بعد از انقلاب پنجاه و هفت به تاثیرگذارترین و مردمی ترین نیروی چپ در کردستان ایران تبدیل شد و نقش مهمی در مبارزات توده های کارگر و زحمتکش کردستان، علیه رژیم جمهوری اسلامی و همچنین علیه نظام سرمایه داری در ایران ایفا کرد. کومه له در مسیر مبارزات چندین دهه خود با چالش های زیادی مواجه بوده و بسیاری از رهبران، اعضا و کادرهای پیشمرگه خود را از دست داده است. امسال در شرایطی سالروز کومه له را گرامی می داریم که از چهار ماه پیش، توده های مردم ایران، علیه جمهوری اسلامی به پا خاسته و پایه های آنرا به لرزه در آورده اند. جمهوری اسلامی که خود را به شدت در تنگنا می بیند، همچون همیشه، برای حفظ خود، به کشتار و سرکوب مردم پرداخت و ده ها هزار نفر را دستگیر و شکنجه کرد و چهار جوان را نیز برای ترساندن مردم و به عقب راندن جنبش انقلابی آنان، اعدام کرد.

ایران شرایط تاریخی گزار از جمهوری اسلامی را طی می کند. این دوره، دوره طولانی خواهد بود و به طبع آن، قیام مردم روز به روز رادیکال تر می شود. راست و جریانات ارتجاعی می خواهند جای پائی در جنبش انقلابی ایران بیابند و آنرا از مسیر ترقی خواهان و مدرن آن که با شعار "زن زندگی آزادی" تبیین یافته است، دور و به انحراف بکشاند و آنرا با شعار مرد سالارانه و ناسیونالیستی "مرد مهین آبادی" از معنا تهی کنند. آنها به اقداماتی هم در این راستا دست زدند که مردم تودهنی بزرگی به آنان زدند. در ادامه تلاش هایشان، قطعا دست به دامن امپریالیست های غربی نیز خواهند شد. گزینه نخست امپریالیست های غربی، احیای برجام و حفظ جمهوری اسلامی است. چنانچه به این نتیجه برسند که جمهوری اسلامی رفتنی است، بدون هیچ تردیدی برای به انحراف کشاندن انقلاب و تامین منافع خود در ایران و



## پیام شورای حمایت از

## اعتراضات مردم ایران - کلن

رفقای حزب کمونیست ایران و کومله!  
حضار گرامی!

از طرف شورای کلن، روز کومه له را به شما تبریک میگوییم.

در این روزها که خیزش انقلابی و برحق کل جامعه ایران را در بر گرفته است، هر پیام شادباش و تبریک را تحت تاثیر خود قرار میدهد. صدای پر شور زنان و جوانان جسور از مرزهای ایران و منطقه گذشته و تا دورترین نقاط جهان طنین انداخته است.

این شرایط انقلابی و امیدوارکننده، وظایف سنگینی را در مقابل همه ما و از جمله حزب کمونیست ایران قرار میدهد. خیزش انقلابی حاضر بدون شک می‌رود تا سرنوشت جمهوری اسلامی را رقم بزند. اما در این میان سرنوشت سیاسی آینده این خیزش در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، سئوالی است که تمام اپوزسیون راست و چپ و تمام دول دنیا را به خود مشغول کرده است. وظیفه قطب چپ جامعه در این شرایط به مراتب خطیرتر و تعیین کننده تر میشود.

شورای کلن که با این خیزش زن زندگی آزادی متولد شد، در چند ماه گذشته همراه تعداد زیادی از انسان‌های آزادیخواه و برابری طلب توانست به حمایت از خواسته‌ای خیزش انقلابی در خیابان‌های شهرهای ایران بپردازد. و در این شهر هم از همان اول قطب چپی را در مقابل اپوزسیون دست راستی‌ها سازمان دهد.

ما به ادامه گسترش این همکاریها با تمام انسان‌ها جریانات سیاسی آزادیخواه و برابری طلب از جمله حزب کمونیست ایران مصریم و برای آن تلاش میکنیم.

در خاتمه یکبار دیگر روز کومله را به شما عزیزان تبریک میگوییم و برایتان آرزوی موفقیت میکنیم.

شورای حمایت

از اعتراضات مردم ایران - کلن

۱۸،۰۲،۲۰۲۳

## پیام شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

شوراها متشکل شویم. این مناسب ترین نوع تشکل یابی برای اتحاد عملی و تلاش نظری مشترک ما است. سکتاریست ها چنین نگاهی را بر نمی تابند و در آرزوی سلطه خویش بر تشکل ها ضرورت هژمونی برخواسته از اعتقادات و تجربه کار مشترک را دور میزنند و یا در دورانی که پوپولیسم و رفرمیسم پر طرفدار می شود به دنبال رفرمیسم افتاده و وظایف اصلی خود که همانا کمک به سازمانیابی کارگری و شورایی است را فراموش می کنند.

با امید به گسترش و تعمیق روابطمان در جهت قدرتمند تر شدن افق های کارگری و کمونیستی یکبار دیگر سالروز کومله را به شما شادباش میگوییم.

زنده باد همکاری و همبستگی نیروهای انقلابی

و کمونیست در راستای تشکیل یک دولت

کارگری و شورایی .

سرنگون باد جمهوری سرمایه داری اسلامی

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم.

فوریه ۲۰۲۳

## پیام حزب زندگی آزادی کردستان - پژاک - استکهلم

احزاب کرد گذشته است! بنابراین، در این مقطع حساس و تاریخی، تشکیل تریبون و یافتن زمینه های مشترک بین احزاب، برای رسیدن به آرمان ها و رویاهای مردم ما برای رسیدن به آزادی، آن را به یک وظیفه حیاتی تبدیل کرد!

در این زمینه ما به عنوان حزب حیات آزادی کردستان این مسئولیت تاریخی را احساس کرده ایم و با تمام قوا آماده ایم فداکاری کنیم و این بستر را برپا کنیم. در پایان یک بار دیگر ۵ دی ماه را به اعضا و هواداران کومه له تبریک می گوئیم و امیدواریم در آینده نزدیک این روز را آزادانه در شرق کردستان جشن بگیریم.

با سلام و درود انقلابی

حزب زندگی آزادی کردستان پژاک استکهلم

در ابتداء خاموشی رفیق عیسی جمشیدی را به خانواده و بستگان و رفقای حزب کمونیست ایران و کومله تسلیت می گوئیم.

رفقای حزب کمونیست ایران و کومله! شادباش های ما را بمناسبت روز کومله بپذیرید. امسال این مراسم مقارن با خیزش انقلابی در ایران شده است. بدون شک گسترش اعتراضات توده ای کارگران و ستم دیدگان در پیش است. و ما صدای پای شوراها از کارخانه و محل زیست توده های معترض را بیشتر از پیش خواهیم شنید. نقش کومله و حزب کمونیست ایران بالاخص در کردستان مثل همیشه با اهمیت و غیر قابل چشم پوشی است. علیرغم فراز و نشیب ها و با تحولاتی که از سرگذرانده اید امروز بیشتر از هر وقتی میتوانید به جنبش انقلابی یاری رسانید.

شورای استکهلم همواره رابطه نزدیک و تنگاتنگ با احزاب و سازمان های انقلابی داشته است و همچنان خواهان تحکیم هرچه بیشتر این رابطه بر پایه آرمان مشترک سوسیالیسم و نفی سرمایه داری در همه اشکال آن است.

ما کماکان معتقدیم برای غلبه بر پراکندگی نیروهای چپ و کمونیست ضرورت دارد با شرکت همه چپ ها و کمونیست ها، حزبی و مستقل و غیر حزبی، در محیط زیستمان در

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد تاسیس کومه له را به تمامی اعضا و هواداران کومه له تبریک می گوئیم و تاریخ و مبارزات انقلابی حزب شما را ارج می نهیم!

البته فراز و نشیب مبارزات مردم ما سرشار از قهرمانی، فداکاری و مقاومت است. بارزترین نمونه انقلاب زنان، آزادی زندگی در شرق کردستان، به وضوح نشان داده شد که مردم کرد همیشه آماده هستند و همزمان انقلاب و مقاومت را در دل خود دارند! مارا تن مبارزه برای آزادی و دموکراسی به رهبری زنان و جوانان پس از شهادت ژینا وارد مرحله جدیدی شد.

فداکاری و بدیلی که مردم ما در شرق کردستان برای دستیابی به آزادی، صلح و ثبات از خود نشان داده اند، وظیفه سنگین و پرهزینه ای را بر دوش تک تک افراد کرد به ویژه اپوزسیون و

## عبدالله مهدی در انزوا از جنبش توده‌ای، هم پیمان با رضا پهلوی

کرده است، اما این شرط عظمت طلبانه ناسیونالیسم ایرانی و اقتدار گرایی فردی این وارث خاندان پهلوی چیزی از شیفتگی عبدالله مهدی به همراهی با شاهزاده و پروژه آترناتیو سازی وی کم نکرده است. هر کس در ایران بویی از سیاست برده باشد می‌داند که تأکید بر تمامیت ارضی ایران اسم رمز ضدیت با حق تعیین سرنوشت ملت کرد در کردستان ایران و اسم رمز ضدیت با هر نوع مبارزه برای رفع ستمگری ملی تحت عنوان مخالفت با تجزیه طلبی است. اما چرا عبدالله مهدی در مقابل عظمت طلبی ناسیونالیسم ایرانی چنین مستأصل و درمانده شده است؟ این درماندگی را نه از روی خصائل و جاه طلبی های فردی، بلکه بیش از هر چیز با موقعیت تاریخی که ناسیونالیسم کرد در آن قرار گرفته است می‌توان توضیح داد.

ناسیونالیسم به مثابه ایدئولوژی و اهداف سیاسی معین در جامعه کردستان نیز مانند سایر جوامع دیگر همزاد پیدایش و رشد نظام سرمایه‌داری بوده است. احزاب سیاسی ناسیونالیست و برنامه‌های سیاسی آنان بر اساس این ایدئولوژی تأسیس و تدوین شده‌اند. این ایدئولوژی دارای جهانبینی، استراتژی سیاسی، فرهنگ و سنت‌های خاص خود است. تاریخ رشد و گسترش سرمایه‌داری نشان می‌دهد که ایدئولوژی و برنامه‌های ناسیونالیسم بر اساس نیاز سرمایه‌داری هر ملت به ایجاد بازار داخلی و منحصر کردن این بازار در چهارچوب مرزهای معین و ضرورت حفظ این مرزها به نیروی توده اهالی، شکل گرفته است. ناسیونالیسم، فرهنگ و ادبیات و هنر و پرچم و سرود و سمبل‌های خاص خود را برای تسهیل امر بسیج توده‌های در خدمت تحقق این هدف طبقاتی به وجود آورده است. با این وجود، سالها است که با رشد خارق‌العاده و جهانی شدن سرمایه‌داری و باز شدن همه‌ی مرزها بر روی حرکت کالا و سرمایه، پایه‌های اقتصادی ایدئولوژی ناسیونالیستی در سراسر جهان در حال از بین رفتن است. علیرغم این تحولات ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی در میدان سیاست‌های روز و مقطعی، در روبنای جامعه و در عرصه فرهنگ و ادبیات و هنر به حیات خود ادامه می‌دهد، و بقایای ستم ملی در گوشه و کنار جهان، هنوز ظرفیت‌های محدودی را برای حضور ناسیونالیسم در عرصه سیاسی حفظ کرده است.

آزادینخواه و به پا خاسته ایران و به شکست کشاندن جنبش انقلابی جاری گوی سبقت را از دیگر احزاب و نیروهای ناسیونالیست در کردستان برده است. عبدالله مهدی و سلبریتی‌هایی که بدون خرید بلیط سوار اتوبوس مجانی شاهزاده برای پیشبرد پروژه آترناتیو سازی بالای سر مردم شده‌اند، بدانند که به عنوان توجیه گران جنایات رژیم سلطنت پهلوی در پیشگاه مردم ایران باید پاسخگو باشند و تاوان آن را بدهند.

“سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران” به رهبری عبدالله مهدی قبلا و بعد از یک دوره تلاش‌های علنی و پشت پرده با برخی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی پرو غرب ایران سرانجام در اواخر سپتامبر ۲۰۱۹ طی همایشی در بنای “امپریال کالج” لندن “شورای مدیریت گذار” را تأسیس کردند. هر چند در اسناد این شورا آمده است که “در نظام دمکراسی مورد نظر آنها، حق حاکمیت نه موروثی است نه الهی و نه برخاسته از هیچ مکتب و مسلک یا اجبار و قدرتی بیرون از اراده شهروندان”، اما همان زمان حسن شریعتمداری دبیرکل این شورا اعلام کرد که مخالفت سند مزبور با حق حاکمیت “موروثی” در ساختار سیاسی آینده ایران “به هیچ وجه” به معنای کنار گذاشتن سلطنت طلبان از “شورای مدیریت گذار” نیست و آنها در این شورا حضور دارند. در آن مقطع حضور سلطنت طلبان و چهره‌هایی نظیر سازگارا در “شورای مدیریت گذار” و اعلام موجودیت آن در ایامی که دولت دونالد ترامپ از اعمال فشارهای حداکثری بر رژیم جمهوری اسلامی سخن می‌گفت تا حدودی ماهیت، کارکرد و ارزش مصرف این “بدیل” تازه تأسیس را برملا کرد. بنابراین پیوند و نشست و برخاست عبدالله مهدی دبیر کل سازمان انقلابی زحمتکشان با سلطنت طلبان در چهارچوب “شورای مدیریت گذار” و حتی خارج از این چهارچوب پدیده تازه‌ای نیست. آنچه تازگی دارد شیفتگی مفرط وی به تداعی شدن با بلوک رضا پهلوی و پیوستن به پروژه آترناتیو سازی شاهزاده است که حتی خط قرمزهای “شورای مدیریت گذار” را هم زیر پا گذاشته است.

به رغم اینکه رضا پهلوی این وارث شهرت خاندان سلطنتی بارها و بارها پایبندی به اصل “حفظ تمامیت سرزمینی و یکپارچگی کشور ایران” را شرط هر نوع همکاری تعریف

عبدالله مهدی دبیر کل “سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران” که در مقطع سال نو میلادی از قافله رضا پهلوی و سلبریتی‌های هواخواه وی جهت توییت مشترک عقب افتاده بود، با عجله خود را به این قافله رسانده و در همایش روز جمعه ۱۰ فوریه ۲۰۲۳ در دانشگاه “جرج تاون” واشنگتن بصورت مجازی شرکت کرد و همراه هم پیمانان درباری آینده‌ی دموکراسی در ایران و “انقلاب زن، زندگی، آزادی” سخنرانی کرده است. رسانه‌های دست راستی هم به سبک و سیاق تاکتونی تلاش کردند تا این پروژه راست‌ترین بخش اپوزیسیون بورژوازی ایران جهت آترناتیو سازی از بالای سر توده‌های به پا خاسته مردم ایران را به عنوان گردهمایی چهره‌های شاخص اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور به افکار عمومی القا کنند. رضا پهلوی که رهبری این پروژه را در دست دارد در جریان جنبش انقلابی جاری ابتدا تلاش کرد با نشنیده گرفتن شعار “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر” و با تبلیغ شعار مردسالارانه و ناسیونالیستی “مرد، میهن، آبادی” ماهیت اهداف این جنبش را مسخ کند و آن را به بیراهه ببرد. در ادامه با سازماندهی باندهای فالانژیست سلطنت طلب و حمله به تجمع‌های نیروهای چپ و ترقی‌خواه در خارج خواست که پرچم شیر و خورشید این نماد ارتجاع سلطنت پهلوی را به راهپیمایی‌های خارج از کشور تحمیل نماید. شاهزاده سپس با سازمان دادن کمپین “وکالت می‌دهم” و در واقع کمپین “خودصغیرپنداری” و بیعت‌گیری تحت عنوان وکالت سیاسی، سعی کرد پروژه تحکیم اقتدار فردی خود را پیش ببرد. رضا پهلوی اکنون و در ادامه این تلاش‌ها به یاری محافل و رسانه‌های امپریالیستی و با برپائی همایش سلبریتی‌های هواخواهش در دانشگاه جرج تاون واشنگتن و به راه انداختن اتوبوس مجانی برای پیوستن مخالفین جمهوری اسلامی، پروژه آترناتیو سازی خود را پیش می‌برد. عبدالله مهدی و سازمان متبوع وی که بعد از انشعاب از کومه له و حزب کمونیست ایران در تابستان سال ۲۰۰۰ میلادی بسرعت از مبانی فکری و سنت‌های انقلابی کومه له فاصله گرفت و در حاشیه احزاب اصلی جنبش ناسیونالیستی در کردستان جا خوش کرده بود، اکنون در مسیر تلاش برای همگرایی با ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و سلطنت طلبان جهت مسخ اهداف زنان و مردان

## سریال مسمومیت ها در مدارس دخترانه

تحت تأثیر روند جهانی شدن سرمایه داری، سرمایه داران کرد هم حتی باوجدان ترین آنها در پی شکار نیروی کار ارزان و افزایش قدرت رقابت در بازار فروش کالاها و سودآوری بیشتر، مرزها را پشت سر می گذارند. تحت تأثیر همین تحولات بورژوازی کرد انگیزه طبقاتی خود برای ایجاد بازار داخلی در چهارچوب مرزهای جغرافیای سیاسی معین و ضرورت حفظ این مرزها را از دست داده و به تبع آن انگیزه ای هم برای شرکت در جنبش مبارزه برای رفع ستمگری ملی ندارد. احزاب ناسیونالیست در کردستان هم به حکم همین تحولات اجتماعی و اقتصادی چند دهه‌ای اخیر، بیش از پیش، خود را با گرایش و آرزوهای پایگاه طبقاتی خود منطبق کرده‌اند و به جای آنکه رفع ستم ملی را هدف خود قرار داده باشند، تنها به کسب بخشی از قدرت محلی، از هر طریقی که باشد، رضایت میدهند. ریشه‌ی تلاش احزاب ناسیونالیست در کردستان و از جمله سازمان تحت رهبری عبدالله مهتدی برای نزدیکی به اصلاح طلبان حکومتی و دوم خردادی ها در زمانی که آنها در حکومت برو بیایی داشتند و سپس اپوزیسیون بورژوازی نئولیبرال طرفدار غرب و اخیراً هم سلطنت طلبان و رضا پهلوی و آمادگی آنها برای سازش بر سر مصالح مردم کردستان در مقابل کسب امتیازات ناچیز را باید در همین استراتژی عملی آنها جستجو کرد.

اکنون مدتها است که رفع ستمگری ملی برای "سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران" و دبیر کل آن و دیگر احزاب و نیروهای ناسیونالیست یک آرمان نیست، آنچه که آنها دنبال هستند، داشتن سهمی از حاکمیت محلی در جوار دولت مرکزی است. اگر زمانی تصور می کردند دستیابی به این هدف از طریق همگرایی با اصلاح طلبان حکومتی و از طریق سازشها در بالای حکومتها روی میدهند، اکنون بر این باورند که از طریق همکاری و ائتلاف با اپوزیسیون بورژوازی پرو غرب ایران و سلطنت طلبان و با تقلیل خواستهای مردم کردستان و یا دخالت قدرتهای بزرگ امکانپذیر است. جریانها و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران بر اساس موضعی که تاکنون در پیش گرفته‌اند، دادن هر امتیازی در زمینه تخفیف ستم ملی را برای حفظ تمامیت ارضی ایران خطرناک میدانند. آنها حق مردم کردستان را برای تعیین سرنوشت خود به رسمیت نمیشناسند. احزاب ناسیونالیست کردستان بدون این که از طرف مقابلشان هیچ قول و تضمینی گرفته باشند، به مطالبات مردم کردستان چوب حراج میزنند. عبدالله مهتدی در مقطع فعلی برای خزیدن به قدرت بر روی نقش احتمالی اپوزیسیون بورژوازی نئولیبرال طرفدار غرب ایران و سلطنت طلبان در تحولات سیاسی بعد از جمهوری اسلامی و پشتیبانی قدرتهای غربی از آنها حساب باز کرده است. اما آنچه از هم اکنون روشن است این حقیقت است که نزدیکی و هم پیمانی عبدالله مهتدی با اپوزیسیون بورژوازی پرو غرب ایران و رضا پهلوی هیچ ربطی به منافع مبارزهی مردم ستمدیده کردستان و جنبش انقلابی جاری در ایران ندارد.

در برابر این نوع پروژه های آلترناتیو سازی باید تلاش های شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در سطح سراسری و در کردستان برای گسترش قطب چپ و کمونیستی و شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی را تقویت کرد.

اضطراب " معرفی کردند؛ در کرامات امام جمعه مرتجع و شاید قم نیز طبق معمول آمده که رسانه‌های آزاد خارج از ایران" این شایعه سازهایی بی اساس" را درست کرده‌اند. نماینده قم در مجلس ارتجاع نیز با ابراز افاضات روانکاوانه آنرا "فویا" ذکر کرد و گفت: "اگر در جمعی ۸ تا ۱۰ نفر بگویند درحال خفه شدیم، افراد دیگر که بیماری زمینه‌ای و قلبی داشته باشند نیز احساس خفگی می کنند".

این توجیحات و دروغپردازی آگاهانه مقامات در حالی است که مسمومیت های دانش آموزان در طول سه ماه گذشته در بسیاری از مدارس دخترانه قم و تکرار مکرر و افزایش آن بر عمدی بودن و دست داشتن عوامل دم و دستگاههای مذهبی جمهوری اسلامی در این جنایات دلالت دارد. مجتبی ذوالنور، نماینده قم در مجلس با وقوع این مسمومیت‌ها در مدرسه‌های قم گفت: "دیگر شکی باقی نمانده که این حوادث ریشه امنیتی دارد".

این درحالی است که خود دختران دانش آموزان مسموم شده، با دلایل کاملاً عینی و منطقی کل این ابراز نظرهای فریبکارانه و دروغگووانه را بی پایه و اساس دانسته و اعلام کرده‌اند " دانش آموزان چنین بیماری و مشکلاتی را ندارند و مسئولان دروغ می‌گویند. این فقط ما نیستیم بلکه مدیر مدرسه و معلمان و دیگر کارکنان نیز مسموم می شوند". البته اولیای دانش آموزان و مردم نیز با توجه به شناختی که از ماهیت این رژیم جنایتکار دارند این خُرعبلات و خرافات مقامات دروغ‌گوی رژیم اسلامی را باور نکرده اند و می‌دانند موضوع اقدامات خطرناکی است که رژیم می‌خواهد با قیمت جان فرزندانشان آنرا به اجرا درآورد.

در این میان دستگاههای امنیتی رژیم و مقامات سپاه برای کنترل اعتراضات و جلوگیری از انتشار خبر آن، با توجیه "درخواست فرماندار" وارد عمل شده و فضای امنیتی برمدارس حاکم کرده اند.

در سه ماه گذشته و با گسترش جنبش انقلابی در ایران، دانش آموزان دختر در مدارس بعضی از شهرها از جمله تهران، اردبیل، ساری و به ویژه در قم دچار مسمومیتهای تنفسی بر اثر استنشاق گاز سمی شده اند. اولین مورد آن، نهم آذر در هنرستان دخترانه "یزدان شهر" قم روی داد. در ادامه آن روز یکشنبه ۳۰ بهمن، ۱۱ دانش آموز دیگر در مدارس قم با علائم سوزش گلو، سردرد و حالت تهوع دچار مشکلات تنفسی شدند و روانه بیمارستان گردیدند. روز سه شنبه گذشته، معاون دانشگاه علوم پزشکی قم از مسمومیت ۱۱۷ دانش آموز دیگر در ۱۳ مدرسه قم از جمله مدارس پردیسان، میثم، قرآنی، امامی و طاها خبر داد. روز سه‌شنبه ۲۵ بهمن شکل دیگری از این مسمومیت این بار در تهران رخ داد و تعدادی از دانش آموزان یک مدرسه در منطقه ۱۱ تهران راهی بیمارستان شدند. بنا به آمارهای منتشره تاکنون حدود ۲۵۰ دانش آموز اکثراً در مدارس دخترانه دچار مسمومیت شده اند. مقامات ذریبط رژیم تا کنون نه تنها آنرا انکار کرده اند بلکه با اظهارات بی ربط، کذب، متناقض و مشکوک خانواده‌های دانش آموزان را سردوانده و پاسخی به آنان نداده اند.

بهرام عین اللهی وزیر بهداشت و درمان رژیم در آغاز مسمومیت میکروبی با انکار آنها مسمومیتهای را "بسیار خفیف" نامید؛ معاون دانشگاه علوم پزشکی رژیم نظر داد که در قم "هیچ دلیل و عامل خطرناکی دیده نشده است؛ یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش دولت رئیسی قاتل، این مسمومیت ها را نتیجه داشتن بیماری‌های زمینه به حساب آورد و بخش اعظم آنرا "شایعات فضای مجازی" خواند؛ قبل از آن نیز تعدادی دیگر از مقامات آن وزارت خانه در قم وجود پوست پرتقال در شوقاژ را دلیل مسمومیت اعلام کرده بودند و بعضی دیگر در تهران مسمومیت دانش آموزان را نتیجه استفاده از اسپری حشره‌کش و وجود "استرس و



## از تجمع سراسری بازنشستگان در روز ۹ اسفند حمایت کنیم!



نموده و با فروش نیروی کار حداقل نیازهای زندگی خود را تأمین کرده اند، اکنون و به حق این انتظار را دارند که در این دوران از زندگی دوباره مجبور نگردند که برای تهیه اولیه ترین کالاهای مورد نیازشان به بردگی مزدی کشیده شده و در بخشهای غیر رسمی سالهای پایانی عمرشان را سپری کنند. در جامعه هایی که مبارزات کارگری و آزادبخشانه عقب نشینی هایی را به دولت های بورژوازی تحمیل کرده است، دوران بازنشستگی زمان تأمل روی موفقیت ها و دستاوردهای یک زندگی غنی است، در عین حال به افراد اجازه می دهد که به رشد، آموزش و اکتشاف ادامه دهند. دوران بازنشستگی سالهایی است که مردم از قید مسئولیت های والد بودن و بازار کار آزاد می شوند و امکان این را پیدا می کنند که به دنبال مسافرت، کسب دانش و مهارت های تازه باشند. اما حکومت اسلامی، این حکومت اقلیت زالوصفت سرمایه داران همانگونه که با جوانی و شادی و نشاط و سرزندگی اکثریت فردودست جامعه دشمنی می ورزد با بازنشستگان هم رفتاری ضد انسانی و تحقیر آمیز در پیش گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی فقط تبعیض جنسیتی، تبعیض ملی و مذهبی را اعمال نمی کند، بلکه تبعیض سنی را هم اعمال می کند و بازنشستگان را از تأمین حداقل های زندگی محروم کرده است. بنابراین آنچه بازنشستگان را در ابعاد سراسری به اعتراض واداشته و به کف خیابان کشانده است، ریشه در شکاف های طبقاتی و همین تورم و گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی و سیستم

بازنشستگان سراسر کشور اعم از کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی طی اطلاعیه ای اعلام کرده اند که روز ۹ اسفند بار دیگر به خیابان خواهند آمد و تجمع های اعتراضی و سراسری برپا خواهند کرد. مطابق فراخوان های منتشر شده این تجمع در تهران ساعت ۱۰ صبح مقابل مجلس و سازمان برنامه و بودجه و در مراکز استان ها، به طور همزمان در برابر فرمانداری و استانداری صورت می گیرد. اعتراض به عیدی حقیرانه؛ اعتراض به عدم تناسب بین حقوق و تورم موجود؛ عدم دریافت ۲۵ درصد همسان سازی سال ۱۳۹۹؛ عدم انجام همسان سازی سال ۱۴۰۱؛ پولی شدن داروها در بیمارستان های ملکی؛ خصوصی سازی بانک رفاه کارگران؛ عدم پرداخت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی؛ از جمله مواردی است که در این اعتراضات مطرح خواهد شد. بازنشستگان در اوراق تبلیغی و فراخوانهایی که برای سازماندهی این اعتراضات سراسری انتشار داده اند تأکید کرده اند که: «اتحاد بالاترین قدرت هاست، هیچ قدرتی در برابر اتحاد و یکپارچگی و همدلی ما یارای ایستادگی نخواهد داشت.»

بازنشستگان که زندگی و معیشت آنان بطور پی درپی مورد تعرض رژیم فاسد جمهوری اسلامی قرار گرفته است بارها و بارها با لیستی از مطالبات خود به خیابان آمده اند و با مبارزات پیگیرانه خود جنبش اعتراضی و مطالباتی در ایران را به جلو سوق داده اند. مطالباتی که حداقل نیازهای انسانی آنها را تأمین میکند. بازنشستگان که بخش اعظم زندگی خود را در محیط کار سپری کرده و سختی های زیادی تحمل

تاکنون که نزدیک به سه ماه از وقوع اولین مورد مسمومیت دانش آموزان می گذرد و مسئولان رژیم از دادن پاسخ قانع کننده به خانواده های آنان خودداری می کنند، آنان با نگرانی از سلامت فرزندانشان چندین بار در مقابل فرمانداری و مدارس تجمع اعتراضی برپا نموده و خواهان توضیح شفاف مسئولان در این رابطه شده اند. اما با برخورد وحشیانه نیروهای امنیتی روبرو شده اند. هفته گذشته فرماندار و برخی دیگر از مقامات رژیم با امنیتی خواندن مسأله، اعتراف نمودند که «سازمان پدافند غیر عامل» به دستور سپاه پاسداران تیم هایی برای نمونه برداری و پایش به مدارس اعزام کرده و اثری از مسمومیت یافت نشده است. البته نگرانی خانواده ها از سلامت فرزندانشان با توجه به تناقضات توجیهات و استدلالهای بی سر و ته مسئولان و شناختی که از ماهیت جنایتکارانه رژیم اسلامی دارند بی مورد نیست. به ویژه در حالی که می بینند دستگاههای امنیتی در آن دخالت می کنند.

در جریان جنبش انقلابی و سراسری کنونی که در آن زنان مبارز و به جان آمده از چهاردهه حاکمیت زن ستیز اسلامی نقش اساسی دارند، حجاب این نماد تحقیر و بردگی را از سر برکنده و می سوزانند. زنان آزاده با این عمل انقلابی در واقع یکی از پایه های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار دادند و اعلام کردند که دیگر حاضر به پذیرش انقیاد و بردگی نیستند و جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی و قبول دوفاکتوی آن کرده اند. اما با توجه به وجود مراکز متعدد قدرت در حاکمیت ارتجاعی و جنایتبار جمهوری اسلامی و بروز این مسمومیتها در مدارس دخترانه و به ویژه در شهر قم که مرکز و پایگاه ایدئولوژیک حکومت اسلامی است، دست داشتن عوامل طالبانی جمهوری اسلامی در این جنایت امری قریب به یقین است. این اقدام جنایتکارانه مراکز طالبانی جمهوری اسلامی از نوع جنایت اسید پاشی به صورت دختران و زنان آزاده ای است که حاضر به قبول قید و بندهای ارتجاعی و مردسالارانه اسلامی نیستند.

بدون شک جنبش انقلابی و سراسری زنان و مردان آزاده و پیشرو جامعه با پیشتازی زنان که مبارزه علیه ستم و آپارتاید جنسیتی یکی از ستونهای محکم و استوار آن باقی خواهد ماند، می تواند پرتوان به مصاف سازماندهندگان طالبانی رژیم اسلامی در برابر چنین جنایاتی بروند و آنرا با کل دم و دستگاه سرکوب و خرافه و تحمیق حکومت اسلامی جارو کند. نبرد علیه آمران و مجریان جنایت مسموم کردن دختران مدرسه ها در قم و دیگر شهرهای ایران به منظور بازگرداندن جامعه به شرایط قبل از خیزش «ژینا»، افشا و مجازات آنان یکی از وظایف رزمندگان جنبش انقلابی سراسری در ایران است و نباید اجازه داد این رژیم جنایتکار با توسل به این شگردهای جنایتکارانه به حاکمیت ننگین چهار دهه اش تداوم بخشد.

# JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN  
Editor: **Halmat Ahmadian** , halmatean@hotmail.com

25 February 2023 NO: **480**

کم بها داد. تداوم تجمع های اعتراضی سراسری بازنشستگان که طی دو سال اخیر بارها با شعار "تا حق خود نگیرم، از پا نمی نشینم"، خیابان را به تسخیر خود در آورده اند، در شرایط کنونی از اهمیت سیاسی ویژه ای برخوردار است. اعتراض های سراسری بازنشستگان را باید در ادامه جنبش انقلابی سراسری ارزیابی کرد. از تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان در روز ۹ اسفند قاطعانه پشتیبانی کنیم. کارگران، دانشجویان، زنان و مردان جوان و انقلابی از تجمع اعتراضی و سراسری بازنشستگان حمایت کنید.



رژیم اسلامی تبدیل شده اند. موج اخیر اعتصابات کارگران، تداوم اعتراضات توده ای در سیستان و بلوچستان و تداوم اعتراضات در تهران و شهرهای دیگر، برپائی تجمع های اعتراضی سراسری بازنشستگان نشان از آن دارد که جنبش انقلابی توده های بپاخاسته مردم ایران اگر چه از اعتراض های هر روزه و جنگ و گریز خیابانی دو، سه ماهه اول فاصله گرفته است، اما در اشکال مختلف ادامه دارد. این روند نشان می دهد که کشتار در سیستان و بلوچستان و کردستان و سرکوب خونین در بقیه نقاط ایران نتوانسته مردم را مرعوب کند. به هیچ عرصه ای از مبارزه توده های بپاخاسته مردم علیه حکومت اسلامی نباید

تبعیض های نهادینه شده دارد که اکثریت مردم ایران را به زندگی کردن در زیر خط فقر سوق داده است. همین حقیقت ساده ضرورت مبارزات متحدانه بازنشستگان را پیش کشیده است. تداوم سیاست های نئولیبرالی رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم و تعرض به هستی اجتماعی، معیشت و منزلت انسان ها، بازنشستگان را نیز مانند معلمان و دیگر بخش های طبقه کارگر به مقاومت و اعتراض کشانده است. بازنشستگان در مقابل تعرض دستگاه فاسد حاکم به سطح زندگی و معیشتشان دست روی دست نگذاشته اند و با اعتراض های سراسری و سازمان یافته خود به گروه فشار سیاسی قدرتمندی علیه

سمینار شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم

## تحولات کنونی در ایران و موقعیت جنبشهای اجتماعی

سخنرانان:



شمسی خریمی



خسرو آهنگر



احمد موسوی



آرش حسام



سیاوش دانشور

زمان: شنبه ۴ مارس از ساعت ۱۲ تا ۷ بعد از ظهر



آدرس:

Kafe Marx, Kungsgatan 11  
227 Stockholm Sverige